

تدارک جناح‌های حکومتی برای تشکیل

احزاب سیاسی

● ۱۲ گروه همسویا جامعه روحانیت مبارز در تدارک ایجاد یک تشکل فراگیر

● هدف از ایجاد این تشکل تضمین پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری است

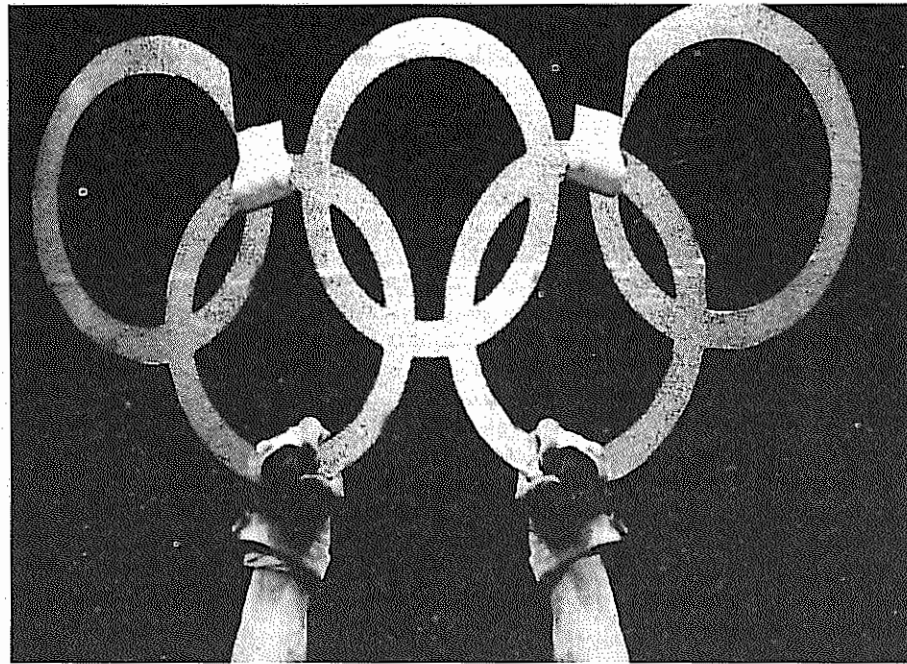
همسوستیم و مقدمات یک تشکل فراگیر را فراهم می‌کنیم. این تشکل ارتباط عقیدتی با جامعه روحانیت مبارز خواهد داشت، ولی تشکل مستقلی خواهد بود.

هنوز معلوم نیست که ۱۲ گروه همسویا جامعه روحانیت مبارز از جمله گروه هیئت مؤتلفه اسلامی بعد از تشکیل حزب منحل خواهند شد و یا به فعالیت خود ادامه خواهند داد. به بیان دیگر آنها در صدد تشکیل جبهه واحد با شرکت ۱۲ گروه هستند و یا می‌خواهند حزب واحد تشکیل دهند و خود را منحل اعلام کنند. برخی از سران این جناح هم از حزب و هم از جبهه صحبت می‌کنند. مهندس باهنر می‌گوید: «چنانچه ۱۲ تشکل همسو، همسوتر شده و بتدریج تبدیل به یک جبهه و حزب واحد شوند، نظام بقیه در صفحه ۲

فراهم خواهد آمد و تشکلی که در حوال محور جامعه روحانیت مبارز فعالیت می‌کرد تا حد زیادی خصوصیت یک حزب را داشت». وی با اشاره به سخنان ناطق نوری در جلسه سراسری جامعه اسلامی مهندسين در باره تشکیل حزب از سوی جوامع همسویا جامعه روحانیت می‌گوید: «ایشان پیشنهاد داد جوامع همسویا جامعه روحانیت مبارز به آن حد از پختگی رسیده‌اند که در شرایط کنونی یک حزب گسترده و قوی را تشکیل دهند». بخشی از کارهای تشکیل حزب در بین ۱۲ گروه همسویا جامعه روحانیت مبارز انجام گرفته است ولی گفته می‌شود تشکیل نهایی این حزب تا پایان سال ۷۵ به طول خواهد انجامید. نصر اصفهانی دبیر کل جامعه اسلامی مهندسين نیز می‌گوید هم‌اکنون ما در حال شکل دادن به تشکل‌های

موضوع تشکیل احزاب سیاسی با وجود سپری شدن انتخابات مجلس شورا، انتخاب هیئت رئیسه و تشکیل گروه‌های فراکسیون همچنان مسئله داغ در محافل سیاسی کشور است. داغ بودن موضوع به نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری برمیگردد. جناح‌های حکومتی می‌خواهند این بار متشکل و سازمان‌یافته وارد عرصه شوند. آنها که تا مدتی پیش بر عدم ضرورت احزاب سیاسی در کشور و نبود فرهنگ حزبی تأکید داشتند، به ناگهان به اهمیت و ضرورت احزاب سیاسی پی‌برده و در صدد تشکیل حزب برآمده‌اند.

روزنامه اخبار به نقل از غفوری‌فرد (یکی از نمایندگان وابسته به جناح رسالت در مجلس شورا) می‌نویسد: «در حال حاضر زمینه‌های لازم برای تشکیل حزب در جامعه



المپیک، همایشی که باید نمودار صلح باشد

در صفحه ۳

ایرانیان و المپیک

در صفحه ۳



نودمین سالروز انقلاب مشروطیت

در این شماره

● ایران اسلامی، زندان زنان

عفت ماهیار

صفحه ۷

● گفتگو با خانم گلناز امین

مسئول بنیاد پژوهش‌های زنان

صفحه ۸

● آذربایجان، کوی قفقاز

سیاست کشور بکوبند و آرزوی دیرین آزادی را جامه عمل بپوشانند. «مجلس شورای ملی» زیبا ترین و گویا ترین نامی بود که بر این همایش تاریخی گذاشته شد. مردم آگاه بزودی به اهمیت سرنگ این نهاد شالوده‌ای دموکراسی پی بردند و این نهاد از آن پس به نقطه اصلی درگیری و کشاکش میان آزادیخواهان و آزادی ستیزان تبدیل شد.

در طول سده سیزدهم خورشیدی، پس از جنگ‌های خردکننده ایران و روس که خود در عین حال به عاملی بقیه در صفحه ۲

فرمان دیگری را در تأیید فرمان قبلی خود امضاء کرد و در آن به تأسیس مجلس گردن نهاد. در تاریخ ۱۷ شهریورماه ۱۲۸۵ کمیسیون پنج نفره‌ای که مأمور تهیه نظامنامه مجلس بود طرح خود را به امضاء مظفردالدین شاه رساند. سرانجام در ۱۴ مهر ماه سال ۱۲۸۵ انتخابات مجلس شورای ملی در تهران به پایان رسید و نخستین جلسه مجلس مردم در کاخ گلستان با سخنان تأیید آمیز مظفردالدین شاه افتتاح شد. بدین گونه، نمایندگان مردم ایران برای نخستین بار در تاریخ این کشور گرد آمدند تا مهر خود را بر

چهاردهم مرداد ماه امسال برابر است با نودمین سالروز پیروزی نخستین مرحله انقلاب مشروطیت و امضاء فرمان حکومت مشروطه از سوی مظفردالدین شاه قاجار. جنبش مشروطه خواهی که در سال ۱۲۸۵ به اوج رسید و حکومت قاجار را به مرز روبرویی با یک جنبش کامل براندازی رسانده بود، سرانجام با تحسن انبوهی از مشروطه خواهان در باغ سفارت انگلیس و در قم، مظفردالدین شاه را ناچار به تسلیم کرد. دو روز پس از آن، در تاریخ ۱۶ مرداد ماه ۱۲۸۵، مظفردالدین زیر فشار مشروطه خواهان

برداشت بد از دین،

یا در آمیزی دولت با دین؟

برخی از روشنفکران و سیاست‌گران جبهه اپوزیسیون در داخل و خارج کشور، در انتقاد به کردارهای استبدادی و مردم‌ستیزانه حکومتیان گاه به «منطق» اسلام خوب - اسلام بد متکی می‌شوند و می‌گویند ثابت کنند که اگر حکومت وقت قوانین و رهنمودهای دینی را خوب تفسیر کند دست به اقدامات آزادی‌ستیزانه و سرکوبگرانه نمی‌زند. آنها به روح عدالت خواه اسلام و به رحم و رحمت مستتر در احکام مذهبی اشاره می‌کنند و حکومت را از زاویه بدفهمی این احکام مورد انتقاد قرار می‌دهند. این هم‌پیمان سعی می‌کنند از راه ارائه تفسیرهای آزادیخواهانه و تجدیدطلبانه از قوانین و رهنمودهای دینی با تلاش‌های حکومت برای توجیه استبداد زیر لوای اسلام مقابله کنند، و در همین راستا از خود در برابر حملات سرکوبگرانه دفاع نمایند. در طیف نیروهایی که در انتقاد به حکومت از این شیوه بهره می‌گیرند علاوه بر نیروهای سیاسی - مذهبی می‌توان شماری از روشنفکران و سیاست‌گران غیر وابسته به جنبش‌های سیاسی - مذهبی را نیز مشاهده کرد. از جمله برخی شاعران، نویسندگان و هنرمندان، در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود، حتی در خارج از کشور، به همین شیوه متوسل می‌شوند.

تفسیرگرایی (گرایشی که بر پایه تفسیر دیگری از دستورها و مقررات شرع کردار استبدادی حکومت را انتقاد می‌کند) در گستره نیروهای سیاسی - مذهبی یک شیوه رایج مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی است. این نیروها معمولاً بر سر چگونگی برداشت از اصول و دستورها دینی با یکدیگر وارد مبارزه ایدئولوژیک می‌شوند و هر یک می‌گویند که برداشت خود را به عنوان درست‌ترین برداشت معرفی کنند. می‌توان گفت معمولاً هر مجموعه تفسیری که از سوی یک نیروی سیاسی - مذهبی ارائه می‌گردد در واقع یک خط مشی سیاسی - اجتماعی است. آقایان طالقانی، منتظری، شریعتمداری، سروش، خوئینیا، و در گستره بازتری آقایان بازرگان، سبحانی، بنی‌صدر، پیمان و بسیاری دیگر، از آنجا که به نسبت‌های متفاوت سیاست را با دین گره زده‌اند و به سیاست از زاویه دین نگاه کرده و می‌کنند. ناچار در مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک تفاسیر خود را از قوانین و مقررات دینی به میان می‌کشند و می‌گویند با کمک آنچه تفسیر خوب می‌دانند با تفاسیر سرکوبگرانه حکومتی یا با تفاسیر مخالفین خود مبارزه کنند. با کاربست این شیوه از سوی نیروهای سیاسی - مذهبی نمی‌توان به یکباره مخالفت یا موافقت کرد. بسیاری از نیروهای سیاسی - مذهبی با پیش‌برد این شیوه مبارزه می‌گویند گرایش‌های سرکوبگرانه و آزادی‌ستیزانه را عقب نشانند و در این راستا تأثیرات بسیار مثبتی هم برجای می‌گذارند. می‌توان گفت تا آنجا که سنگبری این تفسیرگرایی مبارزه با واپسگرایی و آزادی ستیزی شدید حکومتیان و سایر نیروهای سیاسی - مذهبی است، تا آنجا که قصد شل کردن زنجیرهای شرع است، می‌تواند منشأ تأثیرات مثبتی بشود و در روند جاری به مبارزه و خواستهای مردم یاری برساند، و گاه حتی شرایط گذار از حاکمیت شرع به زندگی عرفی را تقویت کند. با این همه، تکیه بر تفاسیر دینی در سیاست از سوی این نیروها همواره می‌تواند اثر دو جانبه بقیه در صفحه ۲

گزارشی پیرامون دادگاه «میکونوس»

فرانکفورت روندشاو:

«دولت ایران دادگاه برلین را به مسخره گرفته است»

پس از دهها جلسه بررسی، دادگاه میکونوس، روز سه‌شنبه ۲۵ ژوئن چسب وسیعی از خبرنگاران و تماشاچیان را در خود جای داده بود. همگی حضار در انتظار قرائت ادعانامه دادستانی کل نشسته بودند که ناگهان، رئیس دادگاه اعلام داشت دیروز یک فاکس از وزارت امور خارجه آلمان به دادگاه ارسال شده که بیانگر آمادگی و موافقت رژیم جمهوری اسلامی ایران مبنی بر شهادت دو تن ایرانی به نامهای قاسم دارابی و ابراهیم نورآرا در ارتباط با حادثه میکونوس می‌باشد. این دو از تاریخ ۲۵ ژوئن از امکان حضور و شهادت در سفارت آلمان در تهران برخوردارند. جریان امر بدین ترتیب بوده است که ابتدا سفارت ایران در بن در تاریخ ۲۴ ژوئن شفاهاً از طریق اشمیت باوئر وزیر مشاور و هماهنگ کننده سازمان‌های اطلاعاتی آلمان، آمادگی دولت ایران را در این رابطه اعلام

داشته است. این مذاکرات قبل از آن در سفارت آلمان در تهران تماماً شفاهی بوده و دولت ایران موافقت خود را نیز بطور شفاهی اعلام ننموده است و در پاسخ به درخواست موکد وزارت امور خارجه آلمان مبنی بر کتبی بودن این تقاضا، مقامات ایران آگاهانه از این امر خودداری ورزیده‌اند. اکنون وزارت خارجه آلمان بر این اعتقاد است که با وجود شفاهی بودن این موضوع، موافقت از طرف مقامات ایرانی جدی است. دادستانی فدرال آلمان در مخالفت با این اعلام آمادگی اعلام کرده است: «کاملاً عجیب است که درست یک روز قبل از خواندن ادعانامه موافقت ایران آنها به صورت شفاهی به دادگاه می‌رسد این چیزی جز دخالت در جریان دادگاه نیست، پاسخ‌های این شاهدها همان چیزی خواهد بود که دولت ایران می‌خواهد. با توجه به بقیه در صفحه ۳

گلوله‌باران مردم کردستان

توسط رژیم اسلامی

مبارزین کرد نیز پی می‌گیرند. تاکنون و در روزهای اخیر شماری از زندانیان کرد اعدام شده‌اند که از آن جمله‌اند: محمد صالح فرزند ته‌تو اهل جرهمه از توابع شهرستان ارومیه و جهانگیری فرزند خالد اهل بالولان از توابع منطقه ترگور ارومیه.

بنابر اطلاعات دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ماموران جمهوری اسلامی طی سالیهای اخیر با برخورداری از وضعیت موجود در کردستان عراق بیش از یکصد مورد عملیات تروریستی علیه نیروهای اپوزیسیون انجام داده‌اند. شواهد نشان می‌دهد، مقامات ذریبط برنامهریزی تشدید این عملیات را تدارک می‌بینند. در همین رابطه در روز چهارشنبه بیستم تیرماه ۷۵ در منطقه کویسجق یک دستگاه اتومبیل سواری که حامل بمب پر قدرتی بود، در نزدیکی یکی از قرارگاه‌های حزب دمکرات منفجر شد.

بنابر اخبار و اطلاعات رسیده حاکمان جمهوری اسلامی طرح بمباران برخی شهرها و روستاهای کردستان عراق را که بخشی از آوارگان ایرانی در آنجا سکونت گزیده‌اند در دستور کار خویش قرار داده‌اند. بنا بر اطلاعات دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران از اوایل تیر ماه مسائلی در زار رود، سنندج، بیله‌وار، کامیاران و برخی از مناطق پیرانشهر را زیر آتش توپخانه سنگین قرار داده‌اند.

این عمل ضد انسانی در مورد برخی از روستاهای بانه و سیلاقی‌های منطقه سرشاخان نرده نیز بکار گرفته شده است و این مناطق هدف آتشبارهای نیروهای نظامی رژیم قرار گرفته‌اند که چند کودک بشدت زخمی شده و خسارات مالی فراوانی نیز به مردم منطقه وارد شده است. مقامات رژیم سیاست تداوم سرکوب در کردستان را از طریق اعدام

گستاخی روزافزون تروریست‌های رژیم

این روزها باز هم خبرهای نگران‌کننده‌ای از فعالیت‌های تروریستی و چماقدارانه عوامل رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور می‌رسد. در فرودگاه فرانکفورت، حزب‌اللهی‌ها یک ایرانی را که در حال فروش نشریه بوده است، مذبذب کرده است. در گوتنبورگ سوئد، بار دیگر دفتر یک انجمن مهاجران ایرانی مورد حمله و دستبرد قرار گرفته است. گفته شده است در آلمان، سه ایرانی مشکوک سعی کرده‌اند وارد خانه محمد ارسلی روزنامه‌نگاری که در کپهان لندن مقاله می‌نویسد، شوند.

اگر این اخبار را در کنار عملیات خطرناک تر و جنایتکارانه‌تر فرستادگان حکومت اسلامی به خارج از کشور بگذاریم، تصویر فعالیت‌های تروریستی برون مرزی رژیم تکمیل می‌شود. اخیراً در یک گزارش گروه حقوق بشر پارلمان بریتانیا، آماری از ابعاد این فعالیت‌ها انعکاس یافت. در این گزارش آمده است در پنج ماه اول سال جاری مسیحی، تروریست‌های جمهوری اسلامی برای کشتن ۱۱ ایرانی مخالف رژیم به خارج سفر کرده‌اند. این آمار، از رقم مشابه برای کل سال ۱۹۹۵ بیشتر است. جمهوری اسلامی از هنگام به دست گرفتن قدرت تاکنون، در ۲۱ کشور، ۲۱۵ مورد عملیات تروریستی علیه ایرانیان سازمان داده است که در جریان این حملات، ۳۵۰ نفر کشته و مجروح گشته‌اند. نزدیک به دو سوم قربانیان این حملات، در هفت سال اخیر هدف ترور واقع شده‌اند. گزارش گروه حقوق بشر پارلمان بریتانیا، موارد ترور در سال ۱۹۹۶ را از جمله چنین بر می‌شمارد: قتل چهار کرد ایرانی در عراق، ترور دو روحانی اهل تسنن در پاکستان، ترور رضا مظلومان در پاریس و قتل زهرا رجیبی عضو شورای ملی مقاومت در ترکیه.

همچنین در جریان بازرسی مأموران گمرک بلژیک از کشتی باربری ایرانی «کلاهدوز» در بندر آنت ورپ، در صندوق‌های تهره‌بار و خشکبار صادراتی ایران، یک خمپاره‌انداز کالیبر سنگین با ۱۲۵ کیلوگرم مهمات کشف شد. برد این سلاح، ۷۰۰ متر است و گلوله‌های آن، چاشنی‌هایی دارند که نه در هنگام اصابت به زمین، بلکه در فاصله کوتاهی از زمین منفجر می‌شوند تا زمین، بخشی از موج انفجار را نگیرد و تأثیر انفجار، مهلک‌تر باشد.

آنچه مسلم است، این است که جمهوری اسلامی، با سوءاستفاده از نمش کشورهای اروپایی کماکان سیاست‌های ترور و اراغاب خود را در اروپا پی می‌گیرد. هدف از این سیاست، محو فیزیکی بخشی از مخالفان و مرعوب کردن بقیه است. جمهوری اسلامی از هر فرصتی استفاده می‌کند تا به اپوزیسیون ایرانی نشان دهد قادر است هر وقت و در هر کجا که بخواهد، به ایرانیان مخالف ضربه بزند. اقدامات چماقدارانه عوامل رژیم در خارج از کشور نیز با همین هدف صورت می‌گیرد.

ما بارها بر ضرورت یکپارچگی و هماهنگی نیروهای اپوزیسیون ایرانی در مقابله با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی تأکید کرده‌ایم و از همه نیروهای اپوزیسیون خواسته‌ایم با افزایش اقدامات تروریستی حکومت اسلامی، و با یاری خواستن از محافل و نیروهای مترقی در کشورهای اروپایی، بردولت‌های این کشورها برای اقدامات مؤثر علیه تروریسم صادراتی آلوده‌ها فشار وارد کنند. این خواست کماکان به قوت خود باقی است. عرصه اصلی مبارزه سیاسی ما در خارج از کشور، برانگیختن اعتراض بین‌المللی به نقض حقوق بشر در ایران و به جنایات جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران است.

اکنون عملیات تعرضی عوامل جمهوری اسلامی در خارج از کشور، کاملاً گسترش یافته است. پلیس کشورهای اروپایی حتی اگر دولت‌های این کشورها دست او را در پیگرد و پیشگیری از ترورها و تعرضات رژیم باز بگذارند و منافع امنیت داخلی خود را قربانی منافع دیپلماتیک و اقتصادی خود در ایران نکنند، نخواهد توانست محافظت از تک‌تک هزاران ایرانی را که جانانشان خطری است، به عهده گیرد. ترورها و حملات حزب‌اللهی‌ها نشان می‌دهد که لیست اهداف تروریست‌ها به هیچ وجه به محدودی از چهره‌های برجسته محدود نمی‌گردد. هر ایرانی که صدای اعتراض خود را علیه رژیم بلند کند، به طور بالقوه یک هدف تروریسم صادراتی جمهوری اسلامی است. تروریست‌ها از زیرساخت لجستیکی نیرومندی در قالب شبکه نمایندگی‌های دیپلماتیک، تجاری و هواپیمایی یک دولت در همه کشورهای اروپا بهره‌مندند، مراکزی که به راحتی نمی‌توانند تحت مراقبت قرار گیرند و در صورت لزوم تفتیش شوند. در چنین شرایطی، صرف امید بستن به اقدامات پلیس و مقامات امنیتی و قضایی کشورهای میزبان، به دو دلیل خطاست: اولاً این مقامات، مستقل عمل نمی‌کنند و گاه ملاحظاتی دیپلماتیک را مقدم می‌شمارند، و ثانیاً نیرویی که آنها به مقابله با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی اختصاص می‌دهند، در حدی نیست که بتواند به اقداماتی با حمایت یک شبکه کامل دولتی با پایگاه‌ها در ده‌ها شهر اروپا، پایان دهد. در نتیجه، ایرانیان مخالف تا حد زیادی باید خود دفاع از جان خود را در چارچوب قوانین کشورهای میزبان بر عهده بگیرند. قوانین هیچ کشور، فرد را از استفاده از حق طبیعی دفاع از خود، محروم نمی‌کند. گروه‌های ضد ترور که در برخی از شهرهایی اروپایی برای هماهنگی اقدامات سیاسی علیه جمهوری اسلامی تشکیل شده‌اند، باید در تبادل اطلاعات پیرامون تحرکات عوامل رژیم فعال شوند.

باید از امکانات مختلف برای دادن «هشدارباش» و کمک خواستن به محض احساس خطر، بهره گرفت. هماهنگی و همکاری همه مخالفان رژیم را صرفنظر از تعلق این اقدامات، هماهنگی و همکاری همه مخالفان رژیم را صرفنظر از تعلق گروهی آنان می‌طلبد.

تدارک جناح‌های حکومتی برای تشکیل احزاب سیاسی

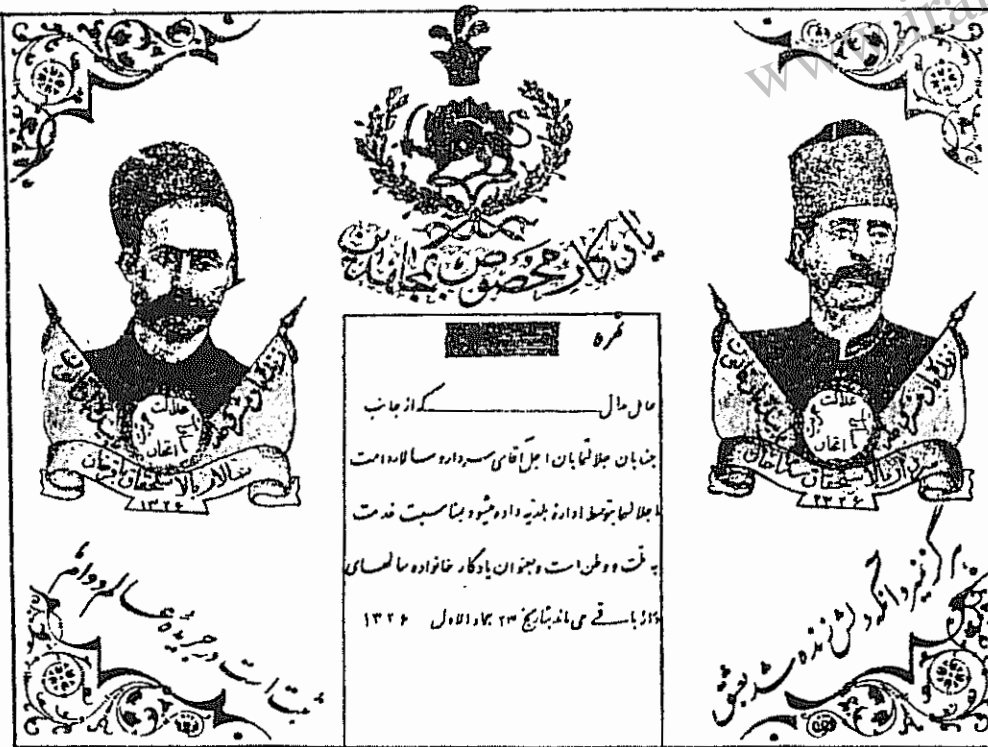
پارلمانی مفیدتر عمل خواهد کرد. در این صورت نظام پارلمانی با برخورداری از پشتوانه حزبی، دارای تحلیل‌های بهتر، حرف‌های بیشتر و برنامه‌های مدون‌تر خواهد بود. آنها با تشکیل حزب و یا جبهه می‌خواهند پیروزی کاندیدای خود را در انتخابات ریاست جمهوری تضمین کنند. کاندیدای آن بطور قطعی انتخاب شده است. با هر می‌گوید با تحلیلی که در شرایط کنونی وجود دارد با توجه به اطلاعات قوی، نزدیکی و اطاعت از مقام رهبری و اقتدار در مجموع این شرایط را ناطق نوری در اختیار دارد. روزنامه جمهوری اسلامی نیز نوشته است: «گفته می‌شود جمعیت مؤتلفه اسلامی و گروه‌های همسو در زمینه کاندید کردن ناطق

برداشت بد از دین، یا درآمیزی دولت با دین؟

با حکومت از حالت مباحثه مذهبی در آید و دقیقاً در میدان حقوق پیش برود. در تفسیر قوانین می‌توان هم تفسیر بهتر را در برابر تفسیر بدتر قرار داد، و هم قانون بد را در برابر یک آلت‌ناتیو خوب افشاء کرد و زیر پای آنرا سست کرد. قابل تأکید است که در این مبارزه حقوقی ما ناچاریم جا به جا تضاد دین‌سالاری را با الزامات زندگی جاری و نیازهای سیاسی - اجتماعی مردم توضیح دهیم. بنا بر این نه تنها در مبارزه حقوقی تأکید بر تفاسیر دینی نیست بلکه هدف اثبات تضاد حل ناشدنی بین حقوق مدرن و دین‌سالاری با همه تفاسیر آن است. مینا در تفسیر قوانین نمی‌تواند چیز دیگری جز آنچه در جهان مرسوم است باشد. ما تفسیر تشریحی‌خواهانه را در برابر تفسیر ارجحی‌می‌گذاریم، قوانین ترقیخواهانه شناخته شده در جهان را در برابر قوانین ارجحی‌محیل شده از سوی حکومت قرار می‌دهیم، و سرانجام مجموع قوانین را با خواست و نیاز انسان امروز محک می‌زنیم. اگر ما الزامات مبارزه مدرن حقوقی را در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که متکی کردن و یا وابسته کردن این مبارزه به یک مبارزه ایدئولوژیک مذهبی خود سراپا مغایر الزامات حقوقی جامعه امروز است. ما نباید در میدان مبارزه برای آزادی بپردازیم که استبداد ما باید ولایت فقیه را به میدان حقوق مدرن بکشانیم و در آنجا رسوایی بکنیم. از دیدگاه این حقوق در آمیزی دین با دولت و سیطره شرعیات بر سیاست خود بر ضد حقوق بشری و الزامات جامعه امروز است.

تأثیری مثبت و آزادخواهانه بر سیاست ایران بگذارند، در غیر این صورت تأثیر مثبت آنها موقت و سخت وابسته به شرایط لحظه خواهد بود. شرایطی که نیروهای سیاسی - مذهبی را گرفتار می‌کند یا شرایط نیروهای ناوابسته به این جنبشها بسیار متفاوت است. روشنفکران و سیاست‌گران ناوابسته به جنبشهای سیاسی - مذهبی ناچار نیستند و نیازی ندارند که در انتقاد به کردارهای استبدادی حکومت به تفسیرهای مذهبی متوسل بشوند و حکومت را از زاویه بدفهمی دستورها دینی مورد انتقاد قرار دهند. منتقدی که از این زاویه برخورد می‌کند باید برای خود روشن سازد که به فرض اگر ولایت فقیه و حاکمیت روحانیون بر تفاسیر بهتری از دستورهای مذهبی استوار می‌شد وضع تغییر اساسی می‌کرد یا نه؟ پاسخ منفی است. بهترین تفاسیر از دستورهای دینی نمی‌توانند رژیم ولایت فقیه را از استبداد نجات بدهند. درآمیزی دین با دولت - به هر عنوان و به هر نسبت - اقدامی است که سمت آن تحدید آزادیهای فردی و اجتماعی است. ذات دولت دینی آزادی ستیز است. بحث نیروهای مدافع در آمیزی دین و دولت معمولاً بر سر میزان و نسبت تحدید آزادی است. در این رابطه، تأثیر مثبت هر یک از این نیروها

نودمین سالروز انقلاب مشروطیت

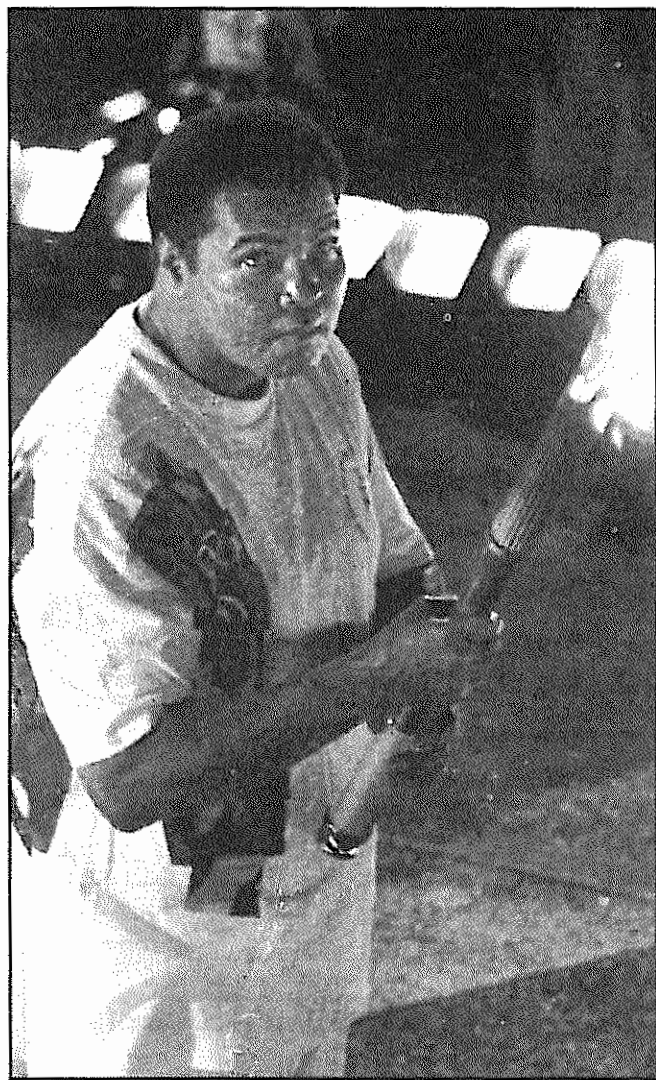


خود و پذیرش ملغمه‌ای از حاکمیت شاه و شیخ در جای آن بود. چنین مشروطیت، علیرغم شکست بعدی آن در استقرار یک دولت مشروط به رای و اراده مردم، دستاوردهای بزرگی برای ملت ما داشت. ناکامی انقلاب مشروطه به معنی از بین رفتن همه دستاوردهای آن نبود. آزادخواهان در سده چهاردهم نیز آماج‌های انقلاب مشروطیت را به صورت تکامل یافته تری گرفتند و در سالهای پس از آغاز جنگ دوم جهانی برای به ثمر رساندن کامل آن خیز برداشتند. دوره نخست‌وزیری برانگیز، از میرحسین موسوی نیز بعنوان کاندیدای خط امامی‌ها نام برده می‌شود. ولی خود وی هنوز اظهار حمایت امپریالیست‌ها عملی شد بار دیگر دیکتاتوری را بر کرسی حاکمیت نشاند. بار دیگر سلطنت غیر مشروط چنانچه دموکراسی کوتاه زمان گشت. مبارزه با دیکتاتوری شاه دوره دیگری از روند نبرد آزادخواهان ایرانیان است. امید این بود که این بار بر بستر رشد اقتصادی - اجتماعی و توانمندی بیش از پیش نیروی آزادی، به دیکتاتوری پایان داده شود و حاکمیت مردم برقرار گردد. اما تاریخ بازی دیگری در آستین داشت. بار دیگر میراثداران همان مشروعه خواهان جنبش آزادی را در هم شکستند و کشور را به لحاظ سیاسی به دورانی عقب‌تر از عصر مشروطیت کشاندند. اکنون نود سال پس از انقلاب مشروطیت بار دیگر شعارهای

آزادخواهانه آن در دستور مبارزه ما قرار گرفته است. امنیت، عدلیه، حکومت قانون، مجلس ملی و آزادی بیان و قلم و فعالیت سیاسی و غیره همه از خواست‌های امروزین ما هستند. پس از نود سال ما به همان جای نخست برگشتیم. اما، امروز خواست ما، آگاهی مردم ما، نیروی آزادیخواهی ما و امکانات ملی و بین‌المللی ما برای پیروزی قطعی در سنگر آزادی بسیار بیشتر است. جهان و الزامات جهانی با ما است. آزادی بر ویرانه‌های استبداد و دیکتاتوری فرا خواهد رسید. ما همان اندازه که به حقانیت آزادی باور داریم به پیروزی حتمی آن نیز باورمندیم. قدرت سیاسی باید برآمده از رای مردم و تابع اراده مردم باشد، و چنین خواهد شد.

المپیک آتلانتا

همایشی که باید برای صلح و شادی باشد



محمدعلی کلی قهرمان المپیک ۱۹۶۰ در حال برافروختن مشعل المپیک آتلانتا

۱۹ جولای ۱۹۹۶، آتلانتا، آمریکا، ۲۶ مین دور بازی المپیک، ورزشکاران برگزیده کشورهای جهان در پناه شدیدترین تدابیر امنیتی گرد آمده‌اند تا در این همایش بزرگ، که می‌بایست نمایشی از صلح و شادی باشد، به رقابت بپردازند و در فضاهای کشور خود را نه به نشان کین توزی و جنگ افروزی بلکه به نشانه همزیستی و صلح بر فراز میدان بزرگ ورزشی برافرازند. در این نیم قرن پس از جنگ جهانی دوم، اگر چه جهان همچنان در بسیاری از بخشهای خود درگیر اهریمن جنگ بوده است، اما فرا

نرویدن این جنگها به یک فاجعه جهانی و تداوم و تقویت امیدهای بشریت برای صلح بس مایه شادی بوده است. و المپیکها، این بزرگترین همایشهای صلح آمیز بین‌المللی، کم‌کم به یکی از نمودارهای صلح جهانی و به یکی از عوامل مادی و معنوی تقویت کننده این صلح تبدیل شده‌اند. باشد که جهان ما در اینگونه همایشها سیمای خود را به نمایش بگذارد، و ملل جهان، در همزیستی و صلح پایدار، و با همیاری برادرانه، پرچم پیروزی مشترک بر ناپسانمائیها و بیدادهای جهان معاصر را برافرازند.

فرزند نامشروع!

روزنامه کیهان در شماره ۲۱ تیرماه ۱۳۷۵ خود طرخی را به چاپ رسانده است و در آن به نقل از جراید نوشته است: ۳۱ درصد از کودکانی که در آمریکا متولد می‌شوند نامشروعند. و در ادامه اظهار نظر کرده است که: «نظام نامشروع سلطه جهانی را این مولودهای فاقد هویت شکل می‌دهند». روزنامه کیهان به سبب هر روزهاش، افکار زشت و عقب‌مانده دست‌اندرکارانش را به جامعه ما سرازیر می‌کند. این بار در امتداد به اصطلاح «مبارزه ضد آمریکائی» کودکان نامشروع را هدف قرار داده است. میشل فوکو، فیلسوف و متفکر فرانسوی در کتاب «سکس و حقیقت»

به این می‌پردازد که چگونه «قدرت» سکس و سایر مظاهر زندگی اجتماعی انسان را برای حفظ موجودیت خود مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد. اینگونه است که قدرت مذهبی می‌کوشد تا تأثیر خود را بر جای جای زندگی انسان بگوید. «شرعی» بودن وجود انسان برای اینان از آنجا آغاز می‌شود که تنها حکام مذهبی با کلماتی وردگورنه اجازه وجود آنها صادر کرده باشند. برای اینان مذهب و ایدئولوژی فرای انسان و نه برای انسان است و کسی که اینگونه می‌اندیشد در چارچوبه فکری‌اش، ترور، سنگسار، تعزیر، اتاق گاز و کوره آدم‌سوزی نیز می‌گنجد.



ایرانیان و المپیک

اما خالی بودن جای زنان در هیأت ایرانی، تنها موردی نخواهد بود که مایه‌افسوس و دریغ است. تنزل شدید سطح ورزش در ایران و ناکامی‌های پیاپی ورزشکاران ایرانی در میادین بین‌المللی، ایران را در عرصه ورزش، حتی در رشته‌هایی مانند کشتی که ایرانیان در آن ده‌ها سال از شرکت‌کنندگان رده‌های نخست بودند، به کشوری تبدیل کرده است که نامش دیگر به فراوشی سپرده شده است. جمهوری اسلامی در حالی که هر سال ده‌ها میلیون دلار خرج کمک به گروه‌های بنیادگرای اسلامی در سایر کشورها می‌کند، امکانات لازم آموزشی و تفریحی را در اختیار ورزشکاران ایرانی نمی‌گذارد. جوانان ایرانی از داشتن ورزشگاه‌های مناسب محرومند. ساعات ورزش در بسیاری از مدارس، صرف همه چیز می‌شود به جز ورزش.

و بر همه اینها، باید محدودیت‌های ایدئولوژیکی را نیز که حکومت اسلامی برای ورزشکاران ایرانی ایجاد کرده است افزود. امسال نیز چه بسا شاهد آن باشیم که یک کشتی‌گیر ایرانی در چند قدمی کسب مدال، از آنجا که او را از مصاف با ورزشکار اسرائیلی منع کرده‌اند، میدان را به رقبا بپارد. و چه بسا که امسال نیز گزارش‌های تلویزیونی از المپیک را مانند رپرتاژهای جام جهانی فوتبال ۱۹۹۴، با چند ثانیه تأخیر پخش کنند تا مبادا تماشاگران ایرانی، شاهد بی‌حجابی زنان حاضر در ورزشگاه‌ها باشند.

سخن کوتاه، جمهوری اسلامی باعث شده است که در مناسبت‌هایی مانند آتلانتا، نام ایران در گزارش‌های ورزشی و تیتراژهای آن، فقط جایی مطرح شود که ربطی به ورزش ندارد. در این شرایط، وقتی یک ایرانی به المپیک می‌نگرد، این احساس تلخ به او دست می‌دهد که ایران را از جهان جدا کرده‌اند. حتی کشورهایی که بسیار کوچک‌تر از ایرانند، در این میدان جهانی جایگاه خود را دارند، و کشور ما در این میان، انگار در این جهان نیست.

هرکس که هنگام حکومت آپارتاید بر آفریقای جنوبی، از انزوای ورزشی این کشور حمایت کرده باشد، باید بدین نیز بسایندیشد که آنچه حکومت‌های اسلامی بر زنان روا می‌دارند، چیزی جز آپارتاید جنسی نیست.



لیدا فریمان تنها زنی که در هیئت ورزشی اعزامی از سوی جمهوری اسلامی به المپیک آتلانتا حضور داشت، بر خلاف المپیک باارسلون مقامات مربوطه در جمهوری اسلامی فریبکارانه حمل پرچم را نیز به او سپردند. وی در گفتگو با خبرنگاران ابراز داشت: «ما باید به رسانه‌های خارجی نشان دهیم که تحت قوانین اسلام، زنان مسلمان می‌توانند در تمام عرصه‌های ورزشی فعالانه شرکت داشته باشند».

پیش از اموری که حکومت مایل است ذهن آنان را ببدان مشغول دارد، علاقه‌مندند. و نه تنها جوانان، که میلیون‌ها ایرانی دیگر این روزها در هر کجایکه هستند، چشم به بزرگترین بازار مکاره ورزش دوخته‌اند. هیچ ایرانی نیست که علاقه عمومی‌اش به المپیک، با علاقه‌ای ویژه به اینکه هموطنانش در المپیک چه می‌کنند، همسراه نباشد. جمعه شب گذشته، میلیون‌ها ایرانی در حالی که از طریق تلویزیون، مراسم گشایش بازی‌ها را دنبال می‌کردند، در عین حال منتظر دیدن تیم کشور خود بودند که چگونه و با چه هیاتی وارد استادیوم می‌شود. در سال‌های حکومت جمهوری اسلامی، شاید این سؤال برای اغلب ناظران ایرانی المپیک، اهمیت بیشتری کسب کرده باشد تا تعداد مدال‌هایی که ورزشکاران ایرانی می‌گیرند. امسال نیز جلوه حضور هم‌وطنان ورزشکار ما در کنار ورزشکاران سایر ملل، امیدبرانگیزتر از المپیک سئول و پارسلون نبود. جمهوری اسلامی امسال نیز زنان ایرانی را به جز رشته تیراندازی، از شرکت در همه رشته‌های دیگر ورزشی محروم کرده است. و تنها یک ورزشکار زن ایرانی در آتلانتا، حضور دارد.

در آستانه المپیک، زنان ورزشکار چند کشور خواهان آن شدند که کشورهایی که مانند جمهوری اسلامی و عربستان، مانع حضور زنان خود در المپیک می‌گردند، از شرکت در بازی‌ها محروم شوند. با همه دریغی که محروم شدن مردان ورزشکار ایرانی از معدود امکانات تماس با دنیای خارج، نصیب همه ما می‌کرد، باید اذعان داشت، که خواست تحریم دولت‌های ضدزن، چندان با روح حیات بین‌المللی ورزشی بیگانه نیست.

گزارشی پیرامون دادگاه «می‌کونوس»

قرار دهند. جلسه بعدی دادگاه در تاریخ ۹/۸/۹۶ تشکیل خواهد گردید. لازم به یادآوری است که طرح موضوعات جدید در طی دو جلسه دادگاه و موافقت مقامات ایرانی در ارتباط با پذیرش شهادت دو تن، بطور گسترده مورد توجه وسائل ارتباط جمعی آلمان قرار گرفت و همه از دخالت مستقیم دولت ایران در جریان دادگاه سخن گفتند. فرانکفورت روندشوا نوشت: «تنها می‌توان گفت دولت ایران با یک حرکت دادگاه برلین را به مسخره گرفته است». تاگس اشپیگل نوشت: «موافقت تهران از طریق اشمیت باوئر که نه عضو وزارت امور خارجه است و نه وزارت دادگستری اعلام می‌شود. برلین تاگس سائیتونگ نوشت: «با هیجان در انتظار تصمیم قضات» این تصمیم همچنین روشنگر این سؤال است که تا چه حد رژیم ملاحا جریان دادگاه را تعیین می‌کند. «تسلخیص از گزارش دادگاه می‌کونوس برلین به نقل از کانون پناهندگان سیاسی ایرانی برلین».

قبل اقرار می‌کند، متن این نامه با حرفهایی که وی نزد پلیس زده بوده متناقض است. پس از آن نامه وکیل یکی از شاکیان خصوصی در دادگاه قرائت گردید. در آن نامه از جمله آمده بود: از آنجا که کسی از طرف دادستانی و ما نمی‌توانند به ایران بروند، پاسخ‌های احتمالی داده شده در تهران فاقد ارزش می‌باشند. دادگاه پس از شور، نظر هیات قضات را در این رابطه به شرح زیر اعلام داشت: با شهادت ابراهیم نورآرا و بهرام برنجیان به دلیل ادعای داشتن اطلاعات در مورد خانه‌ای که دارای در اختیار تروریستها قرار داده است، موافقت می‌شود. اما شهادت قاسم دارابی و اصفهانی مورد لزوم نیست. دادستانی و وکلای شاکیان خصوصی بنا بر دلایل شخصی به تهران نمی‌روند و این نکته که آنان در جریان حضور ندارند در نظر گرفته خواهد شد. در پایان رئیس دادگاه از حاضرین خواست سئوالات خود را از شاهدین نامبرده هر چه زودتر در اختیار دادگاه

در کار دادگاه است و با توجه به تهدیدهای دولت ایران در روند دادگاه سفر ما به ایران غیر ممکن است. معلوم نیست چرا رژیم ایران با اشمیت باوئر هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی تماس برقرار نموده است و نه با وزارت امور خارجه یا وزارت دادگستری؟ این موضوع تنها بیانگر دخالت مستقیم دولت در کار دادگاه است و از نظر ما محکوم شناخته می‌شود و باید نسبت به آن عکس‌العمل نشان داد. این عمل یک تبانی میان دولت ایران و اشمیت باوئر است و از نظر ما فاقد کوچکترین ارزش می‌باشد. رئیس دادگاه در خاتمه اعلام داشت که بنا بر طرح و بررسی این موضوع، برنامه پیش‌بینی شده قبل منتفی اعلام می‌گردد و هیات قضات نظر خود را در این خصوص در اجلاس آتی که در تاریخ ۴ ژوئیه برگزار می‌گردد اعلام خواهد داشت. در دور بعد جلسه دادگاه نامه‌ای از تروریست یوسف امین توسط رئیس دادگاه قرائت شد. دادگاه اعلام داشت امروز آقای امین در این نامه بر خلاف

بقیه از صفحه اول شرایط دادگاه شهادت ناکافی و غیر قابل قبول است و به علت عدم وجود امنیتی جسانی در ایران از طرف دادستانی هیچ کسی به ایران نخواهد رفت و طرح سؤال از طرف یک کارمند سفارت که هیچ سابقه ذهنی از مسیر طی شده در این دادگاه و مسائل مربوط به سئوالات آن را ندارد و غیر ممکن و غیر موجه است. دادستانی تأکید داشت که مسافرت کسی از طرف ما به ایران به دلیل تهدیدهای مکرر ممکن نیست. از جمله این تهدیدها می‌توان به نامه سفیر ایران در بن به دادگاه در ۱۸ ژانویه ۹۶ اشاره داشت، که در آن صحبت از اتهام «تحریک کننده دادستانی» که سبب برپایی دادگاه می‌کونوس شده نام برد و نیز اعلام شروع تحقیقات علیه فلاحیان و قرار بازداشت وی که منجر به تهدیدهای رسمی و غیر رسمی مقامات در مطبوعات و دیگر ارگانهای آن کشور گردید. در این رابطه نیز وکلای شاکیان خصوصی اعلام نمودند که این یک خرابکاری مستقیم از طرف رژیم ایران

مجلسیان به کمتر از «پاترول» رضایت نمی‌دهند

گروهی از نمایندگان مجلس رژیم با امضای نامه‌ی به هیئت رئیسه‌ی مجلس خواستار دریافت اتمومیل پاترول و کاهش پیش‌قسط اولیه‌ی آن از سوی مجلس شدند. ظاهراً اتمومیل‌های پژو و پراید که از سوی مجلس با قیمتی بارها پایین‌تر از قیمت بازار به آنان پیشنهاد شده است، مطابق میل این نمایندگان نیست و آنان به کمتر از «پاترول» رضایت نمی‌دهند.

«نمایندگان ملت» در نامه‌ی یاد شده دلایل زیر را برای اثبات «استحقاق» خود بر شمرده‌اند:

۱- مناطق حوزہ‌ی انتخابیه‌ی اکثر نمایندگان محترم صعب‌العبور بوده و ماشین‌های سواری غیر از «پاترول» استفاده‌ی چندانی در آن مناطق ندارد. ۲- مبلغی که از نمایندگان دوروی قبل وصول شده با این دوره قابل مقیاس نیست که این نکته خود قابل توجه است.

۳- نمایندگان محترم اکثراً از قشر مستضعف بوده و توان پرداخت چنین قیمت گرانی را ندارند و بنابراین عدوی کثیری از نمایندگان نخواهند توانست پیش‌قسط اولیه را بپردازند و پرداخت چنین مبلغی برای آنان مقدور نمی‌باشد.

قیمت اتمومیل‌هایی که قرار است تحویل داده شود به این شرح است: خودروی پاترول ۴ در کامل ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان که ۵ میلیون

و ۴۰۰ هزار تومان آن به صورت پرداخت نقدی و بقیه به قسط پرداخت می‌شود. پاترول ۲ در کامل با قیمت ۶ میلیون تومان که ۴ میلیون تومان آن نقد و بقیه در ۴۰ قسط پرداخت می‌شود. پژو «GLX» با قیمت ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان که یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان آن نقد و بقیه در ۴۰ قسط پرداخت می‌شود. پراید ۴ در کامل به قیمت ۸۵۰ هزار تومان که تمامی آن در ۴۰ قسط پرداخت می‌شود.

به نوشته‌ی روزنامه‌ی سلام این اتمومیل‌ها بین تمامی نمایندگان تقاضای دوروی پنجم توزیع می‌شود و کلیه‌ی نمایندگان که در دوره‌های قبل نیز خودرو در یافت کرده‌اند، می‌توانند تقاضای چنین خودروهای ارزان قیمت و ۴۰ قسطی باشند. روزنامه‌ی اخبار که به جناح «کارگزاران» رژیم نزدیکی دارد، در ستون یادداشت‌های روز یکی از شماره‌های اخیر خود در این باره به طنز نوشته است:

پیشنهاد می‌شود برای نمایندگانی که حوزہ‌ی انتخابیه‌شان در مناطق صعب‌العبور قرار ندارد، دستکم یک چرخال (هلی‌کوپتر) در اختیار گذاشته شود، البته اگر پیش‌قسط را طوری تعیین فرمائید که «نمایندگان محترم که اکثراً از قشر مستضعف بوده و توان پرداخت چنین قیمت‌گزافی را ندارند، در پرداخت آن دچار مشکل نشوند».

حکم دادگاه عباس معروفی تأیید شد

عباس معروفی نویسنده‌ی مشهور معاصر که از سوی دادگاه رژیم به ۶ ماه زندان، ۳۰ ضربه‌ی شلاق و ۲ سال ممنوعیت از فعالیت مطبوعاتی محکوم شده است و از مدتی پیش در خارج از کشور پناهنده شده، اخیراً مصاحبه‌ی با رادیو بین‌المللی فرانسه داشت. وی در این مصاحبه گفت: «تا حدود یک ماه پیش تصمیم داشتم که برگردم ایران، ولی متأسفانه خبری شنیدم که حکم دادگاه من تأیید شده، یعنی اگر من وارد ایران بشوم، باید بروم سوی زندان و شلاق بخورم... قبلاً گفتم که شلاق خوردن برای من مسئله‌ی نیست، زندان هم مسئله‌ی نیست، و حتی در نامه‌ی به دو نویسنده که در ایران هستند نوشتم که: خوابیدن بر تخت سنگی و شمردن ضربه‌ها سخت نیست، ولی این اهانت به قلم است و این که فضایی برای نوشتن وجود ندارد و این

افزایش ۲ میلیونی جمعیت کشور در سال

دکتر محمد رضا بشارتی رئیس دانشگاه علوم پزشکی یزد در سمینار یک روزه‌ی جمعیت و تنظیم خانواده که در روز یکشنبه‌ی هفته‌ی گذشته برگزار شد اعلام کرد که در حال حاضر سالانه ۱/۸۰۰ میلیون نفر بر تعداد نفوس ایران افزوده می‌شود و ۴۰ درصد جمعیت کشور را افراد زیر ۱۴ سال تشکیل می‌دهند.

براساس تخمین کارشناسان هم‌اکنون جمعیت کشور ۶۳ تا ۶۵ میلیون نفر است و میزان باروری و سرعت رشد جمعیت در کشور ۵/۲ و ۲/۷ و میزان مولد ۲۶ در هزار می‌باشد. ارقام فوق به روشنی با رقمی که مکرراً از جانب مقامات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رژیم ارائه می‌شود، تفاوت فاحش دارد و میزان افزایش جمعیت در کشور را بسیار بیشتر از ادعاهای آنان نشان می‌دهد.

از افاضات فروش وزیر جهاد سازندگی رژیم:

- من با تحریم آمریکا علیه ایران موافقم. چون هر چقدر ما را بیشتر تحریم کنند، امکان رشد، توسعه و خلاقیت ما را بیشتر می‌کند.
- مهاجرت از روستاها به شهرها متوقف شده و اکنون اخبار فراوانی از مهاجرت معکوس داریم.

غلامرضا فروزش وزیر جهاد سازندگی رژیم دو هفته‌ی پیش با روزنامه‌ی کیهان چاپ تهران گفتگویی داشت. وی نیز به پیروی از معلم دروغ‌پرداز بزرگ حاشمی رفسنجانی کوشش نمود که بسیاری از نارسایی‌های موجود در کشور را که حاصل ندانم‌کاری‌های دست‌اندرکاران حکومتی است به شیوه‌ی رایج «کارگزاران» لاپوشانی کند. وی در این مصاحبه ادعا کرد که کشور در زمینه‌ی تأمین بعضی از مواد غذایی از جمله لبنیات و گوشت به مرز خودکفایی رسیده است.

فروزش درباره‌ی روند مهاجرت به شهرها ابراز داشت: ما در سال‌های قبل از انقلاب یک روند رو به رشد کاملاً ناهنجاری داشتیم. به خاطر عدم رسیدگی به روستاها، روستائیان برای یافتن یک حداقل معیشت زندگی، ناچار می‌شدند به شهرها روی آورند، خوشبختانه این روند نه تنها متوقف شده (؟) در بعضی جاها عکس نیز شده است. ما الان اخبار فراوانی از مهاجرت معکوس داریم. تقاضاهای زیاد که از شهر می‌خواهند

موفقیت دانش‌آموزان ایرانی در المپیاد جهانی

تیم پنج‌نفره‌ی متشکل از دانش‌آموزان برگزیده‌ی ایرانی در بیست و هفتمین المپیاد فیزیک که امسال در اسلو برگزار شد رده‌ی چهارم را کسب کرد. در المپیاد امسال ۵۵ کشور در آن شرکت داشتند، چین با کسب ۲۲۸/۵ امتیاز از مجموع ۲۵۰ امتیاز اول شد و پس از آن تیم‌های رومانی و آمریکا به ترتیب مقام‌های دوم و سوم را کسب کردند. تیم ایران در این مسابقات یک مدال طلا و ۴ مدال نقره بدست آورد. تیم دانش‌آموزان کشورمان در المپیاد فیزیک سال گذشته بین ۵۱ کشور شرکت‌کننده در مسابقات به رده‌ی سوم رسید.

تیم دانش‌آموزان ایرانی همچنین در سی‌وهفتمین المپیاد جهانی ریاضی که

خبرهای کوتاه

درک رئیس قوه قضائیه از حقوق بشر

یزدی رئیس قوه‌ی قضائیه‌ی رژیم اخیراً در مراسم نماز جمعه اعلام کرد: کشور ما علیرغم عضویت در سازمان‌های مختلف بین‌المللی و یا امضا یک‌سری پیمان‌ها این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در صورت مابینت برخی مصوبات با احکام اسلامی آنها را اجرا نکند. وی با رد نظرات سازمان حقوق بشر در مورد آزادی‌های فردی گفت حدود خدا را در این موارد نمی‌شود تعطیل کرد.

تلاش برای لغو مصونیت قاتل نقدی

با روی کار آمدن دولت جدید میانه و چپ در ایتالیا، بعضی از محافل ترقی‌خواه این کشور که در زمان حکومت دولت‌های پیشین، امکان پی‌گیری پرونده‌ی قتل محمد حسین نقدی بدست مأموران رژیم جمهوری اسلامی از آنان سلب شده بود، بر کوشش‌های خود برای محاکمه‌ی عاملان این قتل افزوده‌اند. آخرین اقدام در این راستا تقاضای وکیلان خانواده‌ی شهید محمد حسین نقدی از وزارت خارجه‌ی ایتالیا جهت لغو مصونیت سیاسی حمید پرند «دیپلمات» ترویسست جمهوری اسلامی که براساس شواهد موجود عامل مستقیم قتل بوده است، می‌باشد.

فریب رفسنجانی و اشک «شوق» روستائیان

روزنامه‌ی اطلاعات از جریان سفر اخیر رفسنجانی به اسفراین چنین گزارش داد: آقای رفسنجانی در جریان سفرش به اسفراین سوار بر دستگاه کمباین یکی از کشاورزان شد و ضمن هدایت آن مقداری از گندم یکی از روستائیان را درو کرد. این حرکت شور و نشاط زایدالوصفی در بین کشاورزان روستایی، همراهان رئیس جمهور و خبرنگاران بوجود آورد و اشک شوق از دیدگان همه جاری شد.

تعقیب دارندگان اسلحه‌ی غیرمجاز

بشارتی وزیر کشور رژیم با اشاره به پایان یافتن دوره‌ی عفو خامنه‌ی برای کسانی که اسلحه‌ی غیرمجاز خود را در زمان مقرر تحویل می‌دهند، اظهار داشت که هویت ۸۰ درصد دارندگان سلاح‌های غیرمجاز شناسایی شده است و باید تا بیست و دوم مرداد ماه سال جاری، اسلحه‌ها را تحویل دهند و در غیر این صورت تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.

ایجاد یک شهر جدید در کنار تهران

به نوشته‌ی مطبوعات داخلی شهر جدیدی به نام پرند در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی تهران در حوالی جاده‌ی ساوه که قرار است برای سکونت ۸۰ هزار نفر آماده شود، در دست ساختمان می‌باشد. در حال حاضر، تعاونی‌های مسکن کارمندی و کارگری برای دریافت زمین در شهر پرند در اولویت قرار دارند. به گفته‌ی یکی از اعضای هیئت مدیره‌ی این شهر جدید با شرکت آب و فاضل آب تهران توافق شده است که آب مورد نیاز شهر پرند تا اسلام‌شهر انتقال یابد و سپس از آنجا به وسیله‌ی لوله‌ی به طول ۲۸ کیلومتر به پرند رسانده شود. قرار است که از اوایل سال ۱۷۶ اسکان جمعیت در پرند آغاز شود و از ابتدای سال ۱۷۷ این شهر پذیرای ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر باشد.

اتلاف سی درصد نان مصرفی در ایران

براساس بررسی‌های انجام شده در انستیتو تحقیقات تغذیه در سال‌های ۷۱ تا ۷۳ میزان مصرف سرانه‌ی نان در ایران ۳۰۰ تا ۶۰۰ گرم در روز بوده ولی میزان تولید نان بسیار بیشتر بوده چراکه ۳۰ درصد نان مصرفی ضایع می‌شود. همچنین طبق آمار دفتر صنایع غذایی وزارت صنایع جمهوری اسلامی در سال ۱۳۳۳ از ۳/۲ میلیون تن تولید سبب‌زمینی، حدود یک میلیون تن (۳۱ درصد تولید)، از دو میلیون تن تولید سیب‌درختی، ۶۵۲ هزار تن (۳۳ درصد تولید) و از سه میلیون تن تولید مرکبات، ۹۰۸ هزار تن (۳۰ درصد تولید) ضایع شده است.

فروش بلیت ایرانیان مقیم خارج به ریا

احمد صانعی یکی از مقامات هواپیمایی جمهوری اسلامی اعلام کرد که از این پس ایرانیان مقیم خارج از کشور که قصد سفر به ایران را داشته باشند می‌توانند بلیت مسافرت خود را از مبداء تا تهران و بالعکس از طریق بستگان یا آشنایان خود در داخل کشور به صورت ریالی پرداخت کنند. وی گفت که بلیت خریداری شده توسط «هما» به آدرس مسافر در هر نقطه‌ی از جهان که باشد حواله خواهد شد.

سعید کامیاب معاون خدمات فرودگاهی جمهوری اسلامی نیز در مورد افزایش میزان بار همراه مسافر اعلام کرد که بار همراه مسافر برای بلیت معمولی از ۲۰ کیلوگرم به ۳۰ کیلوگرم و برای «هما کلاس» از ۳۰ به ۴۰ کیلوگرم افزایش یافته است.

تشکیل کانون نمایندگان سابق مجلس

به گفته‌ی روح‌بخش یکی از نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی به زودی کانون نمایندگان سابق مجلس با عضویت حدود ۱۵۰ نماینده‌ی سابق مجلس اعلام موجودیت خواهد کرد و پیش‌بینی می‌شود که این تعداد به ۲۰۰ نفر برسد. روح‌بخش، سید جواد انگجی و علی نقی خاموشی را از مسئولان این کانون خواند.

تأسیس دانشکده‌ی فرش

جهاد دانشگاهی اعلام کرد که برای نخستین بار در کشور دانشکده‌ی فرش در استان یزد راه‌اندازی شد. این دانشکده از اول مهرماه امسال با پذیرش ۸۰ دانشجو در شهرستان اردکان گشایش می‌یابد.

مجازات فروشندگان و پوشندگان لباس‌های غربی

علی محمد بشارتی وزیر کشور رژیم که ریاست نهاده‌ی به نام کمیسیون مبارزه با مفاسد اجتماعی را به عهده دارد اخیراً اعلام کرد که جواز کسب بسوتیک‌ها و فروشگاه‌هایی که لباس‌های غربی و مد روز بفروشند لغو و فروشگاه آنها تعطیل خواهد شد.

در جلسه‌ی اخیر این کمیسیون به تولیدکنندگان لباس توصیه شده است که از الگوهای اسلامی استفاده کنند

طرح ادغام وزارت خانه‌های کشاورزی و جهاد

به دنبال درخواست ۱۵ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح ادغام وزارت خانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی در دستور کار مجلس قرار گرفت.

نمایندگان مزبور هدف از ارائه‌ی طرح فوق را کاهش هزینه‌های غیرضرور، حذف دستگاه‌های موازی و ایجاد مرکزیت سالم در نظام اجرایی کشور ذکر کرده‌اند. در صورتی که این طرح به تصویب مجلس برسد، وزارت خانه‌های یاد شده ظرف مدت یکسال منحل و وزارت خانه‌ی به نام جهاد کشاورزی و عمران روستاها تشکیل خواهد شد.

عیسی کلاتری وزیر کشاورزی

کار را در روی

شبکه جهانی اینترنت Internet

بخوانید

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند صفحات آخرین شماره‌ی نشریه، مقالات برگزیده‌ی شماره‌های پیشین نشریه، اسناد کنگره‌های سازمان و هم‌چنین مطالب بولتن انگلیسی News & Views را در WWW، زیر آدرس: <http://193.80.248.16/iran.kar.fadai.aksariyat/> مشاهده فرمایند.

مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گرسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

مهاجرت از ایران

حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس، تا قرن سوم هجری، فشار سیاسی عمده‌ای در ایران وجود نداشت و زردشتیان ایران از این قرن به بعد مجبور به مهاجرت شدند و به طور عمده سرزمین هندوستان را برای مهاجرت برگزیدند، گرچه عده‌ای هم از خراسان و شرق ایران به مرکز ایران (یزد) مهاجرت کردند و تا روزگار ما دوام آوردند. کشمیر و گجرات دو سرزمین مهم بود که مهاجران ایرانی زردشتی را پذیرفت. مهاجران، حتی اگر زبان خود را از دست دادند، توانستند دین خود و رابطه با فرهنگ ایرانی را حفظ کنند.

شواهد حاکی از آن است که مهاجران که از فرهنگ غنی برخوردار بودند، همراه خود هنرها و صنعت‌هایی را به وطن جدید بردند و در آنجا رواج دادند، به طوری که شالیبافی کشمیر و قالی‌بافی هند را ایرانیان ایجاد کرده‌اند.

اگرچه داستان رفتن قالی ایران به هند در زمان همایون - پادشاه گورکانی هند - که به دربار صفوی و برای استمداد پناهنده شده بود، معروف است، شواهد قوی حاکی از آن است که بافندگی قالی را ایرانیان مهاجر و خیلی پیش از آن تاریخ به کشمیر برده بودند و نقشه‌ی معروف کشمیری، روایتی از نقشه‌های قدیم هراتی در ایران است. این روایت جدید را عده‌ای از همان مهاجران که برای دیدار بازماندگان خود در ایران می‌آمدند، به ایران آوردند و در ایران هم رواج یافت.

در واقع اگر امروز قالی هندوستان یکی از رقبای فرش ایران شده است، ما خود در ایجاد این رقیب اثر اساسی داشته‌ایم.

مهاجرت از ایران پس از قرن سوم هجری هم ادامه یافت. متأسفانه تاریخ ایران مسیری را پیموده است که هنوز هم انگیزه‌های قوی مهاجرت در جامعه‌ی ما وجود دارد.

یکی از دوره‌هایی که در آن مهاجرت از ایران با شدت زیاد صورت گرفت، مقارن ظهور صفویان و تقوی آئین شیعی است. شیعیان چنان سخت‌گیری کردند که عده‌ی جمعیت ایران به این مذهب گرویدند و بقیه از همان عهد تاکنون چه از نظر جغرافیایی و چه مشارکت در امور کشور به صورت حاشیه‌نشین درآمدند. در بخشی از ایران گاه نیمی از یک طایفه یا ایل به تشیع می‌گرویدند و باعث اذیت و آزار دیگران می‌شدند. در سیستان یکی از طوائف بزرگ که خود را وابسته به سلسله‌ی معروف کیانی می‌دانست، با همین نام می‌زیست.

نیمی از این طایفه به تشیع گروید و نیم دیگر هم به کشمیر و مخصوصاً لاهور رفتند و ظاهراً تا مدت‌ها روابط خود را با ایران حفظ کردند، اما مثل همه‌ی دیگران در اثر مرور زمان و استقرار در مسوطن جدید و بالاخره موفقیت‌هایی که در سایه‌ی سعی و تلاش به دست آوردند، ماندگار شدند.

زمینه‌ی جدایی افغانستان در دوره‌ی صفوی فراهم شده است. در موارد متعددی، ایرانیان صرفاً در اثر ستم و مشاهده‌ی تضییع حقوق خود مهاجرت می‌کردند، مثلاً تیمور با هر ایرانی که به گذشته و مفاخر خود علاقه داشت، کینه‌ی شدیدی می‌ورزید، به همین دلیل به قتل عام مردم سیستان و از جمله همان طایفه‌ی کیانی دست زد. در واقع عده‌ای از کیانیان در عهد تیمور به هند مهاجرت کردند و حوادث دوره‌ی صفوی مکمل آن شد. ویرانی سرزمین زرخیز سیستان، محدود شدن مزارع آن و کم شدن جمعیت آن، معلول همین فشارها در طی هزار سال گذشته بوده است. می‌دانیم که کردها - یکی از طوائف بزرگ ایرانی - تا سوریه و لبنان، آسیای صغیر و قفقاز پراکنده شده‌اند و هنوز خانواده‌هایی که نشانی از اصالت کردی خود دارند، مثل خانواده‌ی جان پولاد (جنبلاد) در آن نقاط دیده می‌شوند. هرچند زبانشان تغییر کرده است. پراکندگی کردها نتیجه‌ی فشار دولت صفوی و زد و خوردهای متعددی است که بین مردم

ماهنامه‌ی جامعه‌ی سالم در شماره‌ی اردیبهشت ماه اسفند سال خود مقاله‌ی را به قلم دکتر علی حصوری درباره‌ی مهاجرت از ایران درج کرده است که حاوی نکات جالبی می‌باشد. ما برای اطلاع خوانندگان عزیز کاره‌ی خلاصه‌ی آن را درج می‌کنیم.

در طول تاریخ ایران بارها دسته‌های بزرگی از ایرانیان به طور عده به دلائل سیاسی مجبور به مهاجرت شده‌اند. این مهاجرت‌ها شکل‌های گوناگون دارد و هرچه فشار سیاسی بیشتر بوده، راه مهاجران طولانی‌تر شده است. مهاجرت‌های اجباری و به دستور حکومت و حتی تعیین مقصد - که در واقع نوعی تبعید جمعی یا اجتماعی است - مشهورترین آنان است و از کهن‌ترین روزگاران در تاریخ ایران نمونه دارد. در این گونه موارد، گاه تبعید نه به دلیل تنبیه بلکه به دلائل مشخص سیاسی یا نظامی صورت گرفته است، مثل تبعید اقوام غیور و جنگجو به مرزهایی که در خطر هجوم اقوام بیگانه بوده است. این کار دارای موارد متعدد در تاریخ ایران است. به طوری که مجموعه‌ی مهم و قابل توجهی از این موارد می‌تواند موضوع رساله‌ی قرار گیرد. حسن این تبعید این بود که قوم مهاجر یا تبعید شده مورد حمایت حکومت بود و امتیازاتی هم به دست می‌آورد. تبعید ارمانه به داخل ایران در دوره‌ی صفوی که برای ایجاد نیروی کار در سطحی بالاتر بود، بهترین نمونه از این نوع است. بهترین زمین‌های اطراف زاینده‌رود و فریدن را به ارمنیان دادند و از آنان حمایت کردند تا مستقر شوند و به تولید بپردازند، به طوری که تا همین اواخر که جمعیت ارمنی فریدن و اطراف زاینده‌رود به اصفهان، تهران، ارمنستان و آمریکا مهاجرت نکرده بود، آبادترین و تمیزترین روستاهای این منطقه متعلق به ارمنیان بود. اقوامی که برای پاسداری از مرزها یا جنگیدن مجبور به مهاجرت می‌شدند وضع بدتری داشتند، اما اگر می‌توانستند محیط امنی ایجاد کنند، تا مدتی زندگی آرامی داشتند.

بدترین انواع مهاجرت، دور شدن از وطن تحت فشارهای اجتماعی و سیاسی بود که سابقه‌ی آن هم در ایران بسیار کهنه و موارد آن هم متعدد است. همه می‌دانیم که در طول تاریخ ایران دوره‌های تساهل و رواداری بسیار کوتاه بوده و برعکس دوره‌های سخت‌گیری و فشار، درازمدت و پایدارتر و دارای نوعی چشمگیری بوده است. راجع به مهاجرت‌های بسیار کهن و انگیزه‌ی با علت آنها - به دلیل فقدان مدارک کافی - نمی‌توان با صراحت و دقت سخن گفت، اما دست کم از دوره‌ی ساسانی به بعد شواهد آشکار برای مهاجرت از ایران داریم، مثلاً ساسانیان با تثبیت قدرت خود، عرصه را بر پیروان ادیان غیر زردشتی تنگ کردند و باعث فرار آنان به خارج از ایران یا به نقاط مرزی شدند، مثلاً تصور می‌رود کروات‌ها - که دارای اصول ایرانی هستند - تحت فشار ساسانیان به حیطه‌ی نفوذ دولت روم مهاجرت کردند و در اروپای شرقی ماندگار شدند. به احتمال بسیار زیاد آنان پیرو آئین مهر بوده‌اند. پیروان این آئین سخت مورد تعقیب و آزار ساسانیان قرار گرفتند و اگر در ایران ماندند، آداب، مناسک و رسم‌های خود را مخفیانه نگاه داشتند یا در قالبی ریختند که صورت ظاهرش قابل تعقیب و آزار نباشد.

در همین دوره‌ی ساسانی ملاحظه می‌کنیم که پس از قتل مانی، پیروان دین او به دورترین نقاط ایران، از جمله سفد تا مرز چین، مهاجرت کردند و آثار خود را به یادگار نهادند. حتی عده‌ای از آنان به سرزمین سی‌آب و علف عربستان رفتند و با قبیله‌ی تمیم در آمیختند. به طوری که عده‌ای از آن قبیله بقران ظهور اسلام به آئین مانی گرویده بودند. در آثار دوره‌ی اسلامی وصف صفات عالی انسانی مانویان آمده است. آنان قربانیان دگراندیشی بودند.

با ظهور اسلام و رواج آن در ایران، ظاهراً با تمام ستم‌های

از همین اخراج‌شدگان استادان مبرزی در جهان درخشیدند و اکنون در اروپا، آمریکا و ندرتاً در نواحی دیگر جهان از احترام و وجهه‌ی گاه کم‌نظیری برخوردارند.

بدیهی است آنچه گذشته مهم است اما نباید دست و پاگیر آینده‌ی ما شود. اینکه اگر روند مهاجرت کند شده بود یا حدت و شدت قبلی را نداشت، شاید لزومی به طرح آن نبود، اما گرفتاری در این است که علی‌رغم محدودیت‌های شدیدی که کشورهای مهاجرپذیر - پس از موج مهاجرت اولیه‌ی پس از انقلاب - پدید آورده‌اند، حداقل علاقه‌ی به مهاجرت و شاید انگیزه‌ی آن بیشتر شده است. در جلسه‌ی که از یک عده مهندس جوان تشکیل شده بود، ملاحظه کردم که هفت نفر از هشت نفر ایشان برای مهاجرت کوشش و با هم در راه‌های کسب امتیازات بیشتر مشورت می‌کردند. ملاحظه می‌شود گاه کسانی برای مهاجرت تلاش می‌کنند که تا پنج سال پیش، آن را زشت می‌شمردند.

مهاجرت‌های کنونی علل فراوان دارد، اما شاید مهم‌تر از همه این است که در ایران حتی بیش از دوره‌ی پهلوی، بی‌قانونی، نبودن انضباط و امنیت فردی و اجتماعی و حتا امنیت پزشکی آزارنده شده است. گذشته از این روز به روز از ارزش مردم با فرهنگ و هنر کاسته و به اعتبار دلالان و واسطه‌گان افزوده می‌شود. یک متخصص تحصیل کرده یک پنجم کاسب سرمد درآمد ندارد و با حداکثر حقوق ممکن نمی‌تواند از عهده‌ی مخارج مسکن، نان و پنی و جامه‌ی ساده برآید. برای جوانان علاقمند و فهیمه‌ی آینده‌ی وجود ندارد.

اکنون ملاحظه می‌کنیم که حتا اشخاصی در سن بالای پنجاه‌برای مهاجرت کوشش می‌کنند، در حالی که معمولاً پنجاه سالگی یا اندکی پس از آن، مخصوصاً در کارهای فنی علمی و غیرهنری، سن پانزده‌سالگی است. حتا در بسیاری از نقاط جهان مثلاً جراحان در حدود این سنین از کار جراحی کنار گذاشته می‌شوند. در این سنین با دشواری می‌توان به محیط کاملاً جدید رفت و زندگی تازه‌ی را آغاز کرد. باید دید این اشخاص در وطن خود چه رنجی می‌برند که محیطی ناآشنا یا کمتر آشنا را بر آن ترجیح می‌دهند.

یکی دیگر از علل مهاجرت سرگردانی نظام حاکم در برقرار کردن ضوابط و حکمران کردن قانون است. کسی نیست که نداند در بسیاری از کشورها بی‌قانونی به سود عده‌ی و زبان اکثریت است. در چنین محیطی علاوه بر احساس عدم امنیت، شخص هر روزه فکر می‌کند که او را می‌فریند یا کلاه بر سرش می‌گذرانند. به شکل‌های مختلف او را می‌دوشند و آنها که می‌دوشند، تنها کسانی هستند که از آزادی و امنیت نسبتاً کاملی برخوردارند، در چنین محیطی قانون و عدالت را می‌توان خرید. در طنزهای سی - چهل سال پیش می‌خواندیم: توانا بود هر که قلدر بود

ز دانش دل عده‌ی پر بود. و اکنون حس می‌کنیم که چندان به جلو نرفته‌ایم، اگر پس نرفته باشیم.

در هر حال، اگر مقصدی نیمه مطمئن برای عده‌ی مهاجران پیدا شود، تخمین من با وضع موجود این است که بیشتر مردم با دانش، هنرمند و با فرهنگ - مخصوصاً تا سن سی و پنج سال که آینده‌ی طولانی در پیش دارند - از کشور ما مهاجرت خواهند کرد. در کشوری که سفارش کارشناسانه و دلسوزانه در کاری مهم به اندازه‌ی سرسوزنی تأثیر نداشته باشد، چگونه می‌توان به آینده امیدوار بود؟ در محیطی که ایجاد مخارج دروغین یا غیر لازم در دستگاه‌های دولتی کار رایجی شده است، چگونه می‌توان به سلامت برنامدها و برنامه‌ریزان مطمئن بود؟ در جامعه‌ی که مردان ظاهراً مستعد و مؤمنش در طول سال‌های جنگ به سرمایه‌اندوزی مشغول بوده یک وزارتخانه را میدان تجارت خصوصی خود کرده‌اند، چگونه می‌توان به سلامت امور اندیشید؟ ممکن است کسی اصلاً به این مسائل

خبرهای علمی

خانمی با جمجمه نیمه خالی

هنگامی که اخیراً یک خانم حسابدار ۳۰ ساله‌ی فرانسوی پس از بیهوشی در حین رانندگی به پزشک مراجعه کرد، نتیجه‌ی آزمایش‌های اسکن مغز که از وی به عمل آمد، باور نکرده‌ی به نظر می‌رسید اما آزمایش‌های اضافی بعدی صحت سی‌تی‌سک‌های قبلی را تأیید کردند. آزمایش‌ها نشان دادند که تمام قسمت پشت‌سای (occipital) و کناری (parietal) و قسمت عمده‌ی لب گیجگاهی (temporal) یک نیمه‌ی مغز این خانم وجود ندارد.

جالب اینجاست که تا قبل از این واقعه، این خانم بیمار هیچ ناراحتی خاصی که به خاطر آن به دکتر مراجعه کند، نداشته است. زیرا که نیمه‌ی سالم مغز وی از هنگام تولد، مسئولیت نیمه‌ی غایب را برعهده گرفته بوده است!!!

الیاف پشم‌شیشه سرطان‌زا هستند

درباره‌ی پشم‌شیشه و خطرات آن در شماره‌های پیش کار مطالبی داشتیم. این الیاف در ایجاد سرطان ریه تأثیر جدی دارند. اخیراً نتایج تحقیق‌های «انستیتوی ملی بهداشتی و تحقیقات پزشکی فرانسه» - به وزرای کار و بهداشت آن‌کشور تقدیم شد. مطابق پژوهش‌های انستیتو پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۱۹۹۶، ۱۹۵۰ نفر در اثر بیماری سرطان ناشی از الیاف پشم‌شیشه در فرانسه خواهند مرد.

شدت بیماری سرطان ناشی از پشم‌شیشه برحسب درجه‌ی تماس و زمان آن متفاوت است و متأسفانه پشم‌شیشه موارد استفاده‌ی متعدد دارد و در بسیاری از جاها بکار برده می‌شود. در صنعت، ساختمان و حتا در مصارف خانگی خطر تماس مستقیم و غیرمستقیم با این الیاف وجود دارد.

در مناطق حاضر در ۷ کشور اروپائی یعنی در آلمان، دانمارک، هلند، ایتالیا، نروژ، سوئد و سوئیس استفاده از پشم‌شیشه کاملاً ممنوع می‌باشد. کشورهای آمریکا و فرانسه استفاده‌ی کنترل شده و محدود این ماده را آزاد دانسته‌اند، اما براساس گزارش انستیتوی ملی تندرستی فرانسه قرار است از ژانویه‌ی سال آینده میلادی، فرانسه نیز مانند ۷ کشور دیگر اروپائی تولید و استفاده از ماده‌ی سرطان‌زای فوق را ممنوع اعلام کند.

نتایج غیرمنتظره‌ی کشف دو کودک

یافتن یک فسیل از جانوری دوزیستی توسط دو کودک در استرالیا پژوهشگران دیرینه‌شناس (فسیل‌شناس) را به حیرت انداخته است. تاکنون فرضیه‌ی مورد پذیرش دانشمندان این بود که در استرالیا بواسطه‌ی قرار گرفتن در یخبندان نمی‌توانسته است تکامل و تحول دوزیستی‌ها به‌وقوع بپیوندد.

تعداد دانش‌پژوهان به نسبت جمعیت

براساس گزارش جهانی سازمان ملل در زمینه‌ی علوم، تعداد دانشمندانی که در جهان هستند به نسبت هر ۱۰۰۰ نفر ۰/۸ می‌باشد. این نسبت در کشورها و مناطق جداگانه به‌صورت زیر می‌باشد.

ژاپن ۰/۱، اسرائیل ۰/۳، ایالات متحده ۰/۲، اروپای غربی ۰/۲، کانادا ۰/۳، استرالیا و نیوزلند ۰/۳، اروپای شرقی ۰/۲، روسیه و ایالات جداشده ۰/۶، آفریقا ۰/۴، چین ۰/۳، خاورمیانه ۰/۳، خاور دور ۰/۱، هند ۰/۱.

جهت‌یابی حیوانات مهاجر

گفته می‌شود که حیوانات مهاجر براساس قوه‌ی مغناطیسی زمین مسیر مهاجرت خود را تعیین می‌کنند و با استفاده از قوه‌ی مغناطیسی می‌توانند زادگاه اولیه‌ی خودشان را بیابند. این مسئله حداقل در مورد لاک‌پشت‌های آبی صدق می‌کند. دانشمندان توانسته‌اند قوه‌ی مغناطیسی را در استخرهای آزمایشگاهی با درجات مختلف ایجاد کنند، و با بررسی عکس‌العمل لاک‌پشت‌های شناور شیوه‌های رفتاری آنان را بیشتر بشناسند.

کشنده‌تر از ایدز

مطابق آمار جدید سازمان جهانی بهداشت، سالانه کسی بیشتر از یک میلیون نفر بر اثر ابتلا به بیماری سرخک می‌میرند. در این آمار همچنین به رقم‌های بالاتری از سرگ برائت اسهال و سل و ... برمی‌خوریم یعنی بیماری‌هایی که هیچ‌یک وحشت جهانی به‌اندازه‌ی ایدز ایجاد نکرده‌اند!

پشه‌بند برای مقابله با مالاریا

سازمان جهانی بهداشت عقیده دارد که اگر نیم میلیون کودک آفریقایی از پشه‌بندهای آغشته به مواد حشره‌کش استفاده می‌کردند می‌توانستند از بیماری مالاریا نجات پیداکنند. هزینه‌ی این پشه‌بندها نهایتاً هر کدام ۱۱ دلار می‌باشد و این درحالی‌ست که از زمانی که سازمان بهداشت جهانی دولتهای جهان را ترغیب کرده است که به نابودی بیماری مالاریا کمربندند تاکنون چندصد برابر رقم لازم، برای نابودی این بیماری هزینه شده‌است.

توجه نکند و پیش خود فکر کند در کشوری که دچار انفجار جمعیت است، چه بهتر که عده‌ی مهاجرت کنند، اما در واقع این نگاهی از سر سادگی است.

انسانی که مجبور به مهاجرت می‌شود دارای مسائل فراوان است. کسی است که احتیاج به کمک دارد و این کمک را در وطن خود نمی‌یابد. مهاجرت از سرناچاری صورت می‌گیرد و گرنه کسانی که سرمایه، جان و آینده‌ی خود و فرزندانشان تأمین باشد، از وطن قرار نمی‌کنند. به قول یکی از مهاجران «بهبستی که وعده

داده‌اند، وطن خود انسان است» بنابراین باید با مهاجران برخورد منطقی داشت. آزردن آنان در وطن موجب بی‌آرامی آنان و میل بیشتر به مهاجرت خواهد شد. هرگونه رفتار خوش سازمان‌های دولتی اثری خوش در ذهن آنها باقی خواهد گذاشت و میل خدمت به میهن را در آنان برخواهد انگیزد. باید کاری کرد که جوان تا سرحد ممکن فایده‌ی خود را - هرچند کوچک باشد - به میهنش برساند، مهاجرانی را می‌توان یافت که بیش از برخی شهروندان برای وطن خویش مؤثر و مفیدند.

گزارش آماری کتاب‌های ادبی

در نیمه اول سال ۷۴

مطلب زیر که از دو هفته‌نامه «بررسی کتاب» شماره ۱۲ برگرفته شده است، گرچه کارنامه انتشار آثار ادبی را تنها در ۶ ماه اول سال گذشته نشان می‌دهد، اما در مجموع سند قابل اعتنایی در زمینه وضعیت ناآرامی و بحران زده کتاب در ایران است. گفتمنی است که انتشار کتاب در نیمه دوم سال پیش و در پی تحکیم هرچه بیشتر سلطه جناح رسالت بر وزارت ارشاد به وخامت بیشتری گرایید. در چهار ماهی نیز که از سال جاری سپری شده است، نه تنها گشایشی در امر نشر کتاب و کاهش سانسور و فشار بر نویسندگان مشاهده نمی‌شود، بلکه همه خبرها از تشدید این محدودیت‌ها حکایت دارند. حرفهای هوشنگ گلشیری در گفتگو با هفته‌نامه تسلیت که ترجمه آن را در شماره ۱۳۶ «کار» آوردیم، گواه روشنی از افزایش اختناق و فشار بر جامعه فرهنگی ایران است.

اراقمی که در گزارش زیر آمده‌اند، چه رقم نازل مربوط به عناوین کتاب‌های منتشر شده، چه نرخ بالای عنوانهای تکراری و چه شمار اندک آثار داستانی و نقد و بررسی‌های ادبی و فرهنگی به هیچ روی با پستوانه، استعداد و ظرفیت‌های فرهنگی جامعه امروز ایران همخوانی ندارند و تنها حاصل غلبه اختناق و واپسگرایی بر گستره تولیدات فرهنگی می‌باشند.

* * *

طبق فهرست مجله نمایه (شماره ۴۰ تا ۴۴) در پنج‌ماهه نخست سال ۷۴ در زمینه ادبیات ۷۰۸ عنوان کتاب منتشر شده است. از این تعداد، ۵۳ عنوان به کلیات، طنز و هزل، انشاء و نامه‌نگاری، عروض، تست‌های کنکور و ... اختصاص دارد.

بیشترین عناوین در زمینه شعر است. در مقابل ۱۲ متن اثر کهن بیش از ۱۵۲ عنوان کتاب از شاعران کلاسیک ایران انتشار یافته که طبق معمول اغلب آنها گزیده‌ها و

خوشنویسی مستن‌های بارها چاپ‌شده است. شاهنامه فردوسی به کوشش سعید حمیدیان و کسای مروزی، زندگی، اندیشه و شعر او از محمدامین ریاحی را از میان این دسته از کتاب‌ها می‌توان نام برد.

کتاب‌های اندکی در بررسی شعر کلاسیک ایران منتشر شد و از آن جمله است آرمان شهر زیبایی (شیوه بیان نظامی) اثر سعید حمیدیان.

از میان ۱۱۷ کتاب شعر معاصر آثار زیر نام بردنی‌اند:

یک دریچه آزادی: سیمین بهبهانی، خطاب به پروانه‌ها و چرا من دیگر شاعر نیستم: رضا براهنی، ویرانه‌های دل را به باد می‌سپارم: احمد رضا احمدی.

و مجموعه‌هایی از رضا دبیری جوان، رضا چایچی، میرزاآقا عسکری، حافظ موسوی و قیصر امین‌پور. گزیده‌هایی نیز از اشعار نیما، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی منتشر شده است. هشت کتاب سپهری به چاپ چهاردهم و پرواز با خورشید مشیری به چاپ سیزدهم رسیده است.

جلد دوم کتاب شعر محمود نیکبخت و ترجمه‌هایی از اشعار هومر و تاگور و اشعاری به زبان عربی (۱۱ عنوان) و ترکی (۱۰ عنوان) را می‌توانیم به کتاب‌های شعر بیافزاییم.

چاپ نقد آثار و زندگی‌نامه نویسندگان بیگانه به همت «نسل قلم» و «دفتر مطالعات ادبیات داستانی» رونق داده است (۲۴ عنوان). کتاب‌های کم حجمی درباره ژید، پو، همینگوی، دیکنز، مالرو، ایپسن، دانت، تورگنیف، ولتر و ... منتشر شده است. همچنین می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

دیدار، پیر فرانس: ترجمه احمد سمعی، شاعران امروز فرانسه، پیر دوبودافو: ترجمه سیمین بهبهانی، یادداشت‌ها، آلبر کامو: ترجمه خشیار دیهیمی، نظریه رمان، ایان وات و دیگران:

عنوان است. آثاری نیز از بالزاک، مالرو، هوگو و ... به چاپ رسیده است. در دوره مورد بررسی ما بیش از ۱۳۸ عنوان داستان ایرانی به چاپ رسیده است. اما در میان این همه، آثار قابل قبول بسیار کم است.

داستان‌نویسی فارسی همچنان سیری افشولی دارد. بیش از ۳۵ عنوان به افسانه‌های بازنویسی شده از هزار و یک شب (۱۸ عنوان)، شاهنامه (۱۰۱ عنوان) و دیگر متون اختصاص دارد.

چاپ پاورقی‌های پلیسی جنائی به صورت کتاب نیز رونق دارد: آثاری از امیر عشیری، احمد محققی، حمیدرضا گودرزی و دیگران در این زمینه منتشر شده است.

بجز چاپ دوازدهم کلیدر اثر محمود دولت‌آبادی و چاپ یازدهم قصه‌های مجید اثر مرادی کرمانی، می‌توان از آثار زیر نام برد:

آرامگاه عاشقان: فرشته ساری، پرگار: بیژن بیجاری، دست تساریک دست روشن:

هوشنگ گلشیری، سرمدان میناکاری: منصوره شریف‌زاده، صدلی خالی: عزیز معتمدی،

مساهمه نفر هستیم: داود غفازادگان،

بامداد خمار: فتانه حاج‌سید جواد،

چهارراه: غزاله علیزاده.

ترجمه حسین پاینده. تاریخ ادبیات جهان، جاکنر تراویک: ترجمه عربعلی رضائی. جامعه‌شناسی رمان، لوکاج: ترجمه محمد پوینده. در زمینه تحلیل و تاریخ ادبیات ایران مجلدات گوناگون تاریخ ادبیات ایران دکتر ذبیح‌الله صفا (۱۳ عنوان) تجدید چاپ شده و برخی از آنها به چاپ سیزدهم رسیده است.

بررسی‌های معدودی (۱۲ عنوان) از کار شاعران و نویسندگان معاصر انجام شده است. تقی پورنامداریان با سفر در مه به تأملی در شعر شاملو پرداخته و هوشنگ گلشیری در ستایش شعر سکوت را نوشته است.

صادق هدایت همچنان مطرح‌ترین نویسنده ایرانی است حورا پیاوری در روان‌کاوی و ادبیات به مقایسه بوف کور با هفت‌پیکر نظامی از دیدگاه نقد روان‌کاوانه پرداخته است. اسماعیل جمشیدی ویرایش تازه‌ای از خودکشی صادق هدایت را منتشر کرده و باقر پرهام بر مزار صادق هدایت اثر یوسف اسحاق‌پور، محقق ایرانی مقیم فرانسه را ترجمه کرده است.

شاهرخ مسکوب در داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع کوشیده است آثار چند چهره ادبی مشهور دوره رضاشاه را در پیوند با تحولات اجتماعی‌سینجید و لیلی گلستان در حکایت دل به گفتگو با احمد محمود پرداخته است.

در زمینه ترجمه داستانهای بیگانه (۱۵۹ عنوان) ترجمه‌های مکرر و غالباً شایسته از نویسندگان تثبیت شده کلاسیک و یا نویسندگان کتاب‌های عامه‌پسند و پژوهش مواجه می‌شویم و کمتر به نامی تازه در میان نویسندگان بر می‌خوریم.

از میان ۵۲ عنوان آثار داستانی به زبان انگلیسی، بیش از ۱۴ عنوان به آثار پلیسی آگاتا کریستی و دیگران اختصاص دارد.

در زمینه ادبیات فرانسه (۴۱ عنوان) بیشترین آثار از ژول ورن (۱۱

نکته‌ها و گفته‌ها

- سفیر ایران در آنکارا به تعرض چرخبال‌های ارتش این کشور به حریم هوایی جمهوری اسلامی اعتراض کرد.

- آبخوان‌ها از قابلیت نگهداری آب به صورت پایدار برخوردارند. «آبخوان‌داری» را اداره و بازسازی لایه‌های زیرزمینی موسوم به «آبخوان» می‌دانند.

- هر گردشگر خارجی ۸۰۰ دلار درآمد ارزی نصیب کشور می‌کند.

- یاران قند و شکر قطع نخواهد شد. جمله‌های بالا را از روزنامه‌های چاپ ایران برگرفته‌ایم. واژه‌هایی که در این جمله‌ها به درشت‌تر چاپ شده‌اند شاید برای بسیاری ناآشنا و نامفهوم باشند. این واژه‌ها را فرهنگستان زبان ابداع کرده است: چرخبال در برابر هلی‌کوپتر، آبخوان در برابر سفره آب زیرزمینی، گردشگر در برابر توریست و یارانه در برابر سوبسید. گفتمنی است که مقامات جمهوری اسلامی به کاربرد این واژه‌ها توصیه شده‌اند. زمان نشان خواهد داد که کدام یک از این واژه‌ها و واژه‌های ابداعی دیگر ماندگار و قابل استفاده و کدام یک بی‌سما و بعضاً اسباب خنده‌اند.

«حضرت علی (ع) در مورد حشره گفتند اگر این موجود از عالم گرفته شود، عالم به هم می‌ریزد. اخیراً یک طرح تحقیقاتی بین‌المللی در دانشگاه تهران با کمک آلمانی‌ها در مورد حشره‌ای انجام شد. نتیجه آن‌را برای بنده تشریح کردند که لب لیب آن این است که از تعداد حشرات روی زمین اندک اندک کاسته شده و همین مسئله مشکلات اکوسیستمی به وجود آورده است. خوب ما باید این چیزها را بررسی کنیم و بگویم که ۱۴۰۰ سال پیش این مسائل در معارف اسلامی مطرح بوده است تا ذهن‌ها به سمت فرهنگ و مجموعه علمی خودمان برگردد... قبل از نیوتن، گالیله و کپلر علوم تجربی متکی به فلسفه بود. اما وقتی اینان آمدند ابتدا و انتهای جریان علوم تجربی را قطع کردند، یعنی علوم تجربی را از «خدا» و «آخرت» منقطع ساختند!»

دکتر علی‌اکبر موسوی موحدی
معاونت پژوهشی دانشگاه تهران
کیهان هوایی ۲۰ تیر

۵۲ ساعت فیلم از جلوه‌های طبیعی و تاریخی ایران در مجموعه

«سفرنامه بزرگ ایران»

کسرمانشاه، لرستان، چهارمحال بختیاری، ایلام، خوزستان، بوشهر، سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان، ترکمن صحرا، گرگان، مازندران و گیلان دوباره به اسالم می‌رسد و بدینسان گردش وی به دور ایران پایان می‌یابد. مجموعه «سفرنامه بزرگ ایران» ظاهراً استانهای فارس، اصفهان، تهران و همدان و یا به طور کلی استانهای درونی ایران را شامل نمی‌شود، شاید که سازندگان آن گنجانیدن همه مناظر و جلوه‌های طبیعی و تاریخی ایران در غالب یک مجموعه را مایه طولانی شدن بیش از حد آن یافته‌اند، دلیلی که با توجه به تنوع طبیعی و تاریخی ایران چندان غیرموجه نمی‌نماید.

مجموعه، تلاش مثبتی را در راستای شناساندن طبیعت زیبای مناطق مختلف ایران آغاز کرد. وی اینک دست‌اندرکار تهیه برنامه ۱۰۴ قسمتی دیگری به نام «سفرنامه بزرگ ایران» است. اینانلو که از ایران‌شناسان و مستندسازان به نام کشور به شمار می‌رود، جهت تهیه سفرنامه فوق، در سفری به دور ایران، گوشه‌ها و مناطق معروف و گمنام کشور را که از طبیعتی زیبا و دیدنی برخوردار باشند و یا اثری تاریخی - فرهنگی در آنجا قرار داشته باشد، در ۳۱۲ دقیقه فیلم ثبت خواهد کرد. وی در این سفر از جاده اسالم به سوی خلخال حرکت می‌کند و پس از گذشتن از استانهای اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی، کردستان،

ایران از لحاظ مناظر طبیعی، تنوع اقلیمی و آثار تاریخی یکی از کشورهای نادر جهان به شمار می‌رود، با این همه بجز چند مورد معدود، فعالیت چندانی برای ثبت و معرفی تصویری این جلوه‌ها صورت نگرفته است. از همین رو بسیاری از ما ایرانیان نیز جغرافیای طبیعی، تاریخی و فرهنگی میهن خود را نمی‌شناسیم و حکومت‌های معاصر نیز هیچگاه به معرفی جذابیت‌های توریستی ایران و کشاندن جهانگردان به کشور که یکی از عوامل قابل اعتنای رونق اقتصادی می‌تواند باشد بهای لازم را نداده‌اند.

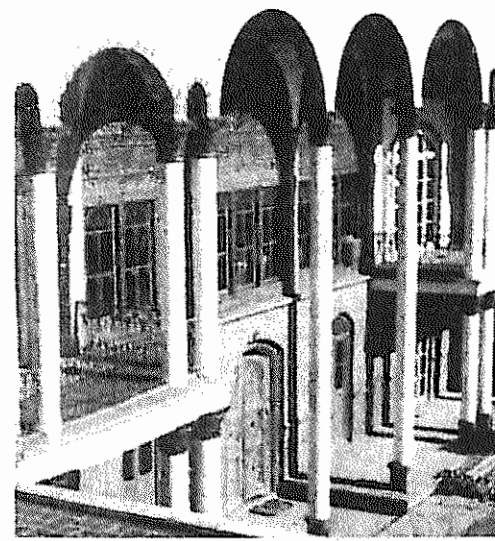
در مجموعه «با طبیعت» که سال گذشته از تلویزیون ایران پخش شد، محمد علی ایستانو، سازنده این

مشروطه» که در نفس خود قدمی مثبت است و نیز ایجاد مجلس جدید در میدان بهارستان و حرفهایی که رفسنجانی در مراسم آغاز ساختمان آن بر زبان راند، را می‌توان از جمله تلاش‌های رژیم در این راستا دانست. رفسنجانی از جمله گفت: «مشروطه قطعه تاریخی مهم و قابل ستایشی است و مردم دنیا بدانند که، ما این قطعه تاریخ خود را ارج می‌نیمیم و ساختمان آن را حفظ می‌کنیم». اما همین حرفهای کلی و تفسیری‌زیر را هم هنوز نمی‌توان شاخص گرایش غالب در رژیم دانست، چراکه در همان مراسم، ناطق‌نوری سخنانی گفت که بیشتر به روایت مسلط حکومت از مشروطیت نزدیک است:

«مشروطیت نهضتی آزادخواهانه و ضد استبداد به رهبری روحانیت برای مبارزه با مستبدین و استبداد بود و تمام در و دیوارهای این منطقه از تاریخ و مدرس سخن می‌گوید». ظاهراً رسالتی‌ها نیز اینک شیخ فضل‌الله نوری را بدانند که از آن می‌دانند که به ستایش او زبان بکشایند، با این همه هنوز مشروطیت را یکسره به روحانیت منتسب می‌کنند و به تازگی مدرس را رهبر آن می‌دانند.

در نودمین سالگرد امضای قانون مشروطیت

موزه «خانه مشروطه» گشایش می‌یابد



خانه‌های که رهبران انقلاب مشروطیت جلسات مخفی خود را در آن تشکیل می‌دادند، تبدیل به موزه شده و روز ۱۴ مرداد، همزمان با نودمین سالگرد امضای قانون مشروطیت با نام «خانه مشروطه» افتتاح می‌شود. گشایش کامل این موزه در چند مرحله صورت می‌گیرد و روز ۱۴ مرداد امسال تنها اتاق ستارخان، یعنی همان اتاقی که از آنجا فرمان پایین کشیدن پرچمهای سفید توسط مجاهدان مشروطه و مقاومت تا پیروزی کامل را صادر کرد، برای بازدید عموم گشوده می‌شود. به گفته مدیر سازمان میراث فرهنگی در آذربایجان شرقی تمامی آثار، اسناد، مدارک، اموال و وسایلی که از مشروطیت نشانی دارد، در موزه «خانه مشروطه» جمع‌آوری خواهد شد. خانه مشروطه که صاحب آن مهدی کوزه‌کنانی (معروف به ابوالمهدی) بوده است، ۱۲۸ سال قدمت دارد و در جریان مبارزات مشروطه‌خواهی از سوی صاحب آن در اختیار مبارزان مشروطیت قرار گرفته بود.

گفتمنی است که جمهوری اسلامی تا همین چندی پیش با بزرگداشت شیخ فضل‌الله نوری و حمایت از

«درنگ دوربین»



ایران اسلامی، زندان زنان

عفت ماهباز

همانگونه که در شماره‌های گذشته نشریه گزارش کردیم، در تاریخ ۱۴ تا ۱۶ ژوئن به دعوت بنیاد پژوهشهای زنان ایران، کنفرانسی تحت عنوان «زن ایرانی و حقوق بشر» در سیاتل - آمریکا برگزار شد. بنا به دعوت بنیاد مذکور رفیق عفت ماهباز عضو شورای مرکزی سازمان در این کنفرانس شرکت داشت. متن سخنرانی وی که با عنوان «ایران اسلامی، زندان زنان» ایراد شد را در زیر ملاحظه می‌کنید.

با سلام و عرض احترام به همه حضار گرامی، و با تشکر از گردانندگان این گردهمایی بخاطر فرصتی که به من داده‌اید تا در اینجا با هم‌زمان و همدردان خود دربارهٔ برخی از سخت‌ترین معضلات دانشگاهی جامعه به تبادل نظر بپردازم. تصور می‌کنم همه ما در اینباره اشتراک نظر داشته باشیم که موضوع انتخاب شده برای این کنفرانس به یکی از بنیادی‌ترین مسائل کشور ما مربوط می‌شود. در این باره تاکنون بسیار گفته و نوشته شده است و می‌توان گفت که جهانیان نیز اکنون تا حدی با این درد بزرگ ملت ما آشنا هستند. رفتار رژیم ارتجاعی ولایت فقیه با زنان کشور ما

ارتجاعی به نمایش درآید. تحمیل پوشاک به زن نه یک مسئله فرعی، بلکه بارزترین مظهر نقض حقوق زن توسط بنیادگرایان اسلامی است. برابری زن و مرد در خانه و اجتماع، برابری زن و مرد در عشق و ازدواج، برابری حقوق این دو در رابطه با فرزندان، آزادی زن در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و غیره، چنین هستند مظاهر فساد از دید بنیادگرایی. نگرش بنیادگرایانه به زن، خود برآمدی ارتجاعی از فرهنگ و ایدئولوژی فاسد است. شرقی در مورد زن است. بسیار خطا خواهد بود اگر تصور شود که این فرهنگ تنها بنیادگرایان مذهبی را شامل می‌شود. این فرهنگ دامنه‌های وسیع‌تر دارد و در برخی عرصه‌ها یک بُعد ترسناک توده‌ای از جمله در بین زنان نیز پیدا می‌کند. ما می‌خواهیم با این فرهنگ و با برآمد سیاه آن یعنی رژیم زنتی‌ز ولایت فقیه مبارزه کنیم. اما چگونه با کدام طرز فکر از کدام دیدگاه؟ تصور من این است که حقوقی

هدف شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روحی پس از محکومیت، خرد کردن کامل اسیر، شستشوی مغزی و تسلیم تام و تمام آن به ولایت فقیه بود. شلاق زدنهای ممتد، مشت و لگد و سیلی، آویزان کردن، سوزاندن، شکستن استخوان، اجرای نمایش اعدام، هراس‌افکنی‌های مداوم و نگهداشتن مداوم اسیر در آستانه اعدام از زمره شکنجه‌های رایج بودند. آنها روزانه ۵ بار زنان به اصطلاح سر موضع چپ را برای اسلام آوردن یا خواندن نماز تازیانه می‌زدند. مأموران با اسیران طوری رفتار می‌کردند که احتمالاً لشکریان مغول در فریاد فتح ایران با اسیران خود کرده بودند.

در زندان فشارهای جسمی و روانی بگونه‌ای بود که انسان با دنیای دیوانگی فاصله چندانی نداشت. کم نبودند آنهایی که با خود می‌خندیدند و می‌گریستند و یا بلند بلند حرف می‌زدند. بعضی قصه‌های بس دردناک‌تر داشتند. از جمله فرزانه، او را در سال ۶۰ فرزند چند ماهه‌اش دستگیر کردند. او بعد از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا در فرزند حصار روانی شده بود. زندانبانان او را برای آزار دیگر زندانبانان به اتاقهای در بسته و یا بند عمومی می‌فرستادند، چرا که او روزها و هفته‌ها از جایش تکان نمی‌خورد. در نتیجه وضعیت بهداشتی چنان بهم می‌خورد که تحمل آن ناممکن بود. برای مراقبت و نظافت او چند زندانی مجبور بودند شب و روز کار کنند. مأمورین او را رها کرده بودند تا به این شکل فیجع از بین بروند.

اسیر دیگری بنام رفعت خلدی نیز بعد از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا تعادل روحی خود را از دست داده بود، می‌گفتند ۱۵ نفر از اعضای خانواده او اعدام شده‌اند. آخرین فرد از اعضای خانواده‌اش برادرش بود که رفعت را سال ۶۶ بر سر جنازه‌اش بردند. او در سال ۶۷ وادار شد شاهد تماشای حلق آویز شدن دوستان هم‌بندش باشد و بعد از آن، در فاصله کوتاهی به زندگی خود پایان داد. نمونه دیگر اسیری بنام زهرا بود او در همه جا فریاد می‌زد بی‌شرمها درها و پنجره‌ها را باز کنید! او سال ۶۸ آزاد شد اما او فریادش را در بیرون نیز سر می‌داد و چند بار به زندان برگردانده شد. سال ۷۰ من چند بار او را در تیمارستان ملاقات کردم. ظاهره هم دخترک کم سن و سالی بود که بر اثر فشارهای طاقت‌فرسا روانی شده بود. او را همیشه برای زهر چشم گرفتن از دیگر زندانبانان به شوناژیندها و یا به میله‌های زندان زنجیر می‌کردند. فریادهای زوزه مانند او و چشمان در اشک و خون غرق شده‌اش که چون گوسفند قربانی به انسان می‌نگریست، قلب ما را می‌لرزاند. رژیم ولایت فقیه همه جا تبلیغ می‌کند که «زندان اسلامی» دانشگاه اسلامی است، اما آنچه در این دانشگاه آموخته می‌شد، خوراری و ذلت آدمی بود. آنها می‌خواستند که زندانی وجدان انسانی خود را زیر پا نهد، مسخ شده مجیزگوی آنان باشد. شکنجه‌گران به اصطلاح «دانشگاه اسلامی» مرد بودند، چون آنها بهتر شکنجه می‌کردند. در اینجا تفاوت میان دو جنس وجود نداشت. بسیاری از زنان سالهای طولانی فقط به دلیل دگراندیش بودن در بازداشتگاه آوین بودند. موارد ۷ تا ۹ سال بسیار عادی بود. یکی از تنبیهات پیش‌پاافتاده برای آنها نگهداشتن افراد در سلولهای انفرادی بود، که ممکن بود از ۲ ماه تا ۲ سال طول بکشد. زندانی در سلول مدام از چشمی روی در پاییده می‌شد، تا مبادا خود را با کارهای مثل گلدوزی، نقاشی، شطرنج و غیره سرگرم کند. بسیاری اوقات شکنجه به صورت علنی و در حضور جمع صورت می‌گرفت تا زندانبانان دیگر مرعوب شوند و فکر مقاومت را از سر بیرون کنند. سال ۶۴ زندانبانان دو زندانی را تنها به دلیل اعتراضات به نگهداشتن سطلهای زباله در اتاق در بسته به محاکمه کشیده و هر کدام را به ۶۰ ضربه شلاق (کابل) محکوم کردند. آنان زندانبانان دیگر را از اتاقهای در بسته دیگر و یا سلولها به محل شکنجه دو سالن ۲۰۹ آوردند و از آنان خواستند که ناظر شکنجه دوستانشان باشند. وقتی که ما به عنوان اعتراض رویمان را برگرداندیم آنها با کابل به سر و رویمان زدند تا ما را مجبور به تماشا کنند. سرهای

● هدف شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روحی پس از محکومیت، خرد کردن کامل اسیر، شستشوی مغزی و تسلیم تام و تمام آن به ولایت فقیه بود. شلاق‌زدنهای ممتد، مشت و لگد و سیلی، آویزان کردن، سوزاندن، شکستن استخوان، اجرای نمایش اعدام، هراس‌افکنی‌های مداوم اسیر در آستانه اعدام از زمره شکنجه‌های رایج بودند.

که امروزه زنان در بخشی از جهان کسب کرده و از آن بهره‌مند می‌شوند دستاورد تکامل طولانی جامعه پیشرو صنعتی از یک سو و مبارزه آزادی‌طلبانه و عدالتخواهانه زنان و نیروهای مترقی از سوی دیگر است. ما بدون اینکه بتوانیم در زمانه از قید بقایای فرهنگ و دیدگاه عقب مانده فئودالی نجات بدهیم، بدون اینکه بتوانیم از دیدگاه تکوین یافته در جوامع پیشرفته به مسئله زن نگاه کنیم، قادر نخواهیم بود جنبشی پیشرو برای تحقق حقوق زن در کشورمان ایجاد کنیم. ما خود بخود در پیکار با ارتجاع به دفاع از این دیدگاه کشیده می‌شویم. منافع زنان ایجاب می‌کند که پیشروترین دیدگاههای پیشروترین جوامع را برای دفاع از

● اسیر دیگری بنام رفعت خلدی نیز بعد از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا تعادل روحی خود را از دست داده بود، می‌گفتند ۱۵ نفر از اعضای خانواده او اعدام شده‌اند. آخرین فرد از اعضای خانواده‌اش برادرش بود که رفعت را سال ۶۶ بر سر جنازه‌اش بردند. او در سال ۶۷ وادار شد شاهد تماشای حلق آویز شدن دوستان هم‌بندش باشد و بعد از آن، در فاصله کوتاهی به زندگی خود پایان داد.

کسی علت بازداشت خود را پی‌جویی کند و یا از هویت مأمورین چیزی بپرسد. این شیوه چنان رایج شده است که گاه دزدان و جنایتکاران معمولی نیز به آسانی خود را به قالب مأمورین حکومت در می‌آورند و قربانیان خود را فریب داده و غارت می‌کنند یا می‌کندند.

محاکمات که به اصطلاح بر پایه مقررات شرع انجام می‌شود، سراپا در تضاد با قوانین و مقررات پذیرفته شده در جهان متمدن امروز است. قوانینی که در محاکمه اسیران سیاسی بکار گرفته می‌شوند بیشترشان دقیقاً الهام گرفته از

حقوق خود مورد تأکید قرار دهیم. از سوی دیگر، آشکار است که دیدگاه و فرهنگهای پیشرفته‌تر این جوامع به آسانی در کشورهای چون کشور ما قابل پیاده کردن نیست. وظیفه دیگر جنبش پیشرو زنان تلاش مداوم برای دستیابی به هدفهای بزرگ خود با احتساب کامل شرایط و امکانات بومی است. یعنی ما باید بتوانیم درست‌ترین حرف را از هر زبانی بگیریم و آن را به زبان مردم خود ترجمه کنیم. دشواریهای ما در راستای مبارزه برای تأمین حقوق زنان بسیار است. گسست جنبش‌های روشنفکری کشور ما از جنبش توده‌ای، تفاوت سطح و گاه تناقض میان خواست‌های بخش پیشرو جنبش زنان با خواست‌های توده زنان، دسته‌بندی شدن زنان مبارز بر اساس مرزهای حزبی و نبود یک جنبش واحد و توانمند زنان، همه و همه کار ما را دشوار می‌کنند. اما جهان در حال تکامل و پیشرفت است و جامعه ما و زنان کشور ما، به رغم تلاش‌های ارتجاع هر روز امکانات بیشتری برای دستیابی به هدفهای خود پیدا می‌کنند. بیایید همه ما ضمن حفظ وابستگی‌ها و علایق سیاسی و اجتماعی خاص خود به خاطر تأمین حقوق زنان دست بدست هم بدهیم و جنبش فراگیر و توانمندی منطبق با منافع مشترک همه زنان ایجاد کنیم. مطمئن باشیم که ایجاد و تقویت جنبش زنان در خدمت تقویت همه جریانهای ملی و مترقی کشور ماست و به بزرگترین نیاز مین ما پاسخ می‌دهد.

امروزه به یک مثال بارز جهانی در زمینه سرکوب مجموعه حقوق زن تبدیل شده است و اگر ما می‌توانستیم در جلب حمایت جهانی گامهای بیشتری به جلو برداریم امروزه مسأله زن ایرانی می‌توانست در عمل بصورت عمده‌ترین مسأله مشترک زنان مبارز جهان در آید و من امیدوارم چنین نشست‌هایی ما را در دستیابی به این هدف یاری برسانند. هر یک از هم‌دردانی که در این نمایش حضور دارند بدون شک صدها نمونه و مثال و شاهد در زمینه سرکوب زن در ایران دارند. می‌توان گفت که تلاش برای تنزل مقام زن در حد یک موجود درجه دو و مسلط کردن کامل مرد فئودال بر مقدرات او برآیند مجموعه تبهکاریهای ولایت فقیه در قبال زنان است. زن ایرانی تنها در تبعیت از امیال هیولا - مرد بی‌فرهنگی که آفریده یک فرهنگ ارتجاعی و یک روان کاملاً بیمار است، آزاد است. این زن نه در انتخاب سبک زندگی خود آزاد است و نه در عشق آزاد است و نه در ازدواج، نه در پوشاک آزاد است و نه در معاشرت. این زن در تصدی مشاغل سیاسی و اجتماعی، در آموزش و پرورش، در رابطه با حقوق ازدواج و طلاق، در رابطه با فرزندان خود، حتی در رابطه با مسافرت و معاشرتهای معمول فاقد حقوق برابر با مرد است. هیولا - مرد آفریده ارتجاع حاکم می‌تواند چهار زن عقده و بشمار هم‌خواه‌گان سیغه داشته باشد و هر گاه بخواهد می‌تواند تنها با ادای زمره یک ورد، هم‌خواهی و حتی تجاوز به دیگر زنان را برای خود شرعی و مجاز کند. اما در مقابل تنها شهادت مرد یا مردانی درباره میل زنی به یک مرد، می‌تواند باعث شود که آن زن به دردآورترین شکل ممکن سنگسار گردد. سنگسار زن در آستانه قربانیت و بیست و یکم و در برابر چشم همه بشریت بدترین توهین ممکن به مقام این بشریت است. من می‌خواهم در این بخش از صحبت خود بیشتر به سرچشمه‌های این زنتی‌ز بی‌کران بپردازم و همدردان خویش را دعوت کنم که با همکاری یکدیگر جویای چاره و راه حل بشویم. در بخش دوم صحبت خود، تلاش می‌کنم تصویری از آنچه بر زن زندانی رفته و می‌رود به دست دهم.

اینکه رژیم ولایت فقیه، مجموع حقوق حقه زنان کشور را با چنین خشونت پایمال می‌کند از ماهیت ایدئولوژی و فرهنگ نیروی حاکم سرچشمه می‌گیرد. رژیم ولایت فقیه برآمد بنیادگرایی اسلامی پیش از هر چیز به مثابه یک مقاومت فرهنگی، در برابر هر گونه تجدد و ترقی جلوه‌ی یک می‌شود. در این فرهنگ و ایدئولوژی که جانمایه بنیادگرایی است، تغییر مناسبات زن و مرد از طریق تبدیل زن به یک موجود درجه دوم و فاقد هر گونه حقوق و قدرت، شالوده است. برای بنیادگرایی اسلامی امروزه هیچ چیز به اندازه مقابله با تجدد و ترقی رایج در جهان پیشرفته اهمیت ندارد. در این غروب‌ستیزی «مقدس» آنچه که از همه برتر و بارزتر است، سبک و ایدئولوژی ترقی‌خواهانه زنان در جوامع پیشرفته صنعتی است. به عکس تبلیغات بنیادگرایان، نه به اصطلاح مفاسد غرب در زمینه زندگی زنان بلکه همانا برابری‌گرایی حقوق زن و مرد در فرهنگ غربی و دستاوردهای جامعه پیشرو صنعتی در راستای تحقق حقوق زنان است که مورد کین و ستیز نیست. اینکه حکومتی مدعی مبارزه با فساد در مقیاس عالم بشود، یک شوخی مضحک است، بسویزه هنگامیکه آن حکومت خود فساد را در قلمرو حاکمیت خویش بیش از هر زمان و هر کجا گسترش داده باشد. در مجموعه دستاوردهای جامعه پیشرو صنعتی در زمینه تأمین حقوق زنان چه عناصری از سوی بنیادگرایان به عنوان فساد معرفی می‌شوند قبل از هر چیز آزادی زن در پوشاک. مفهوم واقعی مخالفت با آزادی پوشاک چیست؟ مفهوم آن این است که مرد تسخیر شده توسط فرهنگ فئودالی می‌بایست زن خود را همچون دیگر مایملک قیمتی خود بنگرد، این مایملک را از چشم دیگران پنهان کند و به وسیله حجاب، چشم این مایملک را ببندد تا چشم و گوش بسته و نادان باقی بماند. حجاب این زن باید به مثابه پرچم تسلیم کامل روح و جسم و عقل و احساس وی به این هیولا - مرد برآمده از فرهنگ

بعد از اعدامهای دهشتناک دهها زندانی زن در سال ۶۷ و شکنجه و فشارهای روحی و روانی بر ما، عفو عمومی را به شرط انزجار اعلام نمودند. از زندانبانان چپ ۸۳ نفر از مرگ جسته بودند. حکومتیان گمان می‌بردند پس از اینهمه فشار، براحتی آنچه را که می‌خواهند به دست خواهند آورد. آنان از زنان می‌خواستند تا انزجار خود را از سازمانهای سیاسی خود اعلام کنند؛ در این مقطع جواب قریب به اتفاق افراد باز هم نه بود.

قوانینی هستند که فاتحان جنگهای مذهبی علیه مغلوبین کافر خود وضع کرده‌اند و هدف آنها، سرکوب و انهدام متهم و مجرم است. موقعیت درجه دوم زن، و به اصطلاح قوانین و مقررات شرعی ناظر بر رفتار و کردار زن، شرایط محاکمات را برای زنان باز هم سخت‌تر می‌کند. برای مثال وقتی یک زن همراه با هم‌مرز خود بازداشت می‌شود، علاوه بر اتهام اصلی می‌تواند به جرم بدحجابی یا همراهی با یک نامحرم دچار آزارهای باز هم بیشتری بشود. محاکمات سری برگزار می‌شوند. هنگامیکه من در زندان بودم گاه طول این به اصطلاح محاکمات به ۱۵ دقیقه هم نمی‌رسید در آن محاکمات، نه اسیر وکیل داشت و نه امکان دفاع واقعی از خود را. تنها شکل دفاع از جان در این محکمه‌ها تسلیم کامل اسیر در برابر اتهامات وارده، پوزش‌خواهی، پذیرش همکاری با مأموران، پذیرش همه شرایط تعیین شده توسط حکومت و غیره بود. رسالت اصلی قاضی صدور حکم محکومیت و مرگ بود. اسیران هم پیش از محاکمه و به منظور گرفتن اعتراف و تأمین شرایط محکومیت شکنجه می‌شدند و هم پس از صدور حکم و در دوران زندان.

شکسته، چشمان خورن کبود شده، لبهای دریده خون پاشیده‌شده بر دیوارها بی‌اختیار مرا بیاد صحرائی کریلا در داستانهای خود آقایان انداخت. بسیاری از اسیران در نتیجه شکنجه‌های جسمی و روحی چنان آسیب دیدند که سرانجام دست به خودکشی زدند. هنوز فریاد پروین گلی آبکناری را بهنگامی که او را از بند بیرون می‌بردند بخاطر دارم. او که داروی نظافت را برای خودکشی خورده بود فریاد می‌زد «دواعتراض به بی حرمتی‌های این دژخیمان به انسانها خود را کشتم» او را در خاوران در کنار دیگر رفیقانش به خاک سپردند. قربانی دیگر مهین بدویی بود. او ده ماه تمام در سال ۶۲ در زندان قزل حصار در جبهه‌های تابوت مانند که اسیران را برای شکنجه و گرفتن اعتراف در آن می‌گذاشتند، بسر آورده، اما لب نگشوده و تسلیم نشده بود ولی آسیب‌های روحی‌اش چنان شدید بود که هیچگاه نتوانست دوباره توان خود را به زندگی باز یابد. سال ۶۶ با نگرانی می‌گفت که می‌خواهند دوباره شرایط سال ۶۲ را حاکم کنند، اعصاب او

ابوالحسن بنی صدر دیدگاه اسلام در رابطه با حقوق زنان

می‌کنند چرا که بار کار خانه را نیز باید بدون مزد بر دوش کنند. در مورد چندینی نیز دو دین یهودیت و مسیحیت چند زنی را مجاز می‌دانند و اسلام علیه آن بوده و اولین دینی است که خطاب به مردان فرمود که اگر می‌توانند عدالت کنند با بیشتر از یک زن ازدواج نمایند وگرنه تنها با یک زن ازدواج کنند.

آقای بنی صدر در پاسخ به سوال در مورد اظهاراتی که مورد موی زن و اثرات تشعشعی آن بر مرد از طرف ایشان مطرح گردیده و نظر ایشان در مورد حجاب پاسخ دادند: نقل قول مزبور کاملاً ساختگی بوده و بر مبنای سوال یک شرکت کننده در یکی از سخنرانیها ساخته شده و مخالفین وی سوالی سئوال کننده را بعنوان گفته بنی صدر مطرح و شایع نمودند. در رابطه با حجاب پاسخ داد که نوع پوشش نباید بر اساس رابطه زور باشد. زیرا نوع پوشش را نمی‌توان با زور به جامعه قبولاند. نوع پوشش ایدئولوژی را منعکس می‌کند و اگر قرار باشد که لباسی را به زور به کسی بپوشانند این همان چیزی است که ما می‌خواهیم نباشد. پوشش باید به زن و مرد امکان بدهد که از رابطه تن با تن بعنوان یک رابطه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ایدئولوژیکی آزاد شود.

اطمینان خاطر دهنده و دارای فضل مادری پذیرفته شوند. تصریحات قرآن در این پارچوب و بسیار بیشتر از تورات و انجیل است.

در ادامه مصاحبه آقای بنی صدر در پاسخ به این سوال که چه احکامی از اسلام و قرآن غیر قابل تفسیر و کدامها قابل تغییرند و بطور مشخص ایشان در مورد نابرابری در زمینه ارث، مسئله چند زنی، مجازات سنگسار و نابرابری شهادت زن و مرد و حق قضاوت چه نظری دارند پاسخ داد. استاد به نیمی از حقیقت و به استناد آن صدور یک حکم نادرست است. مثلاً در مورد مسئله حجاب اگر همچون رهبران رژیم از کودکی به پسر آموزشی که دختر انبیا شویست است و به دختر باوراندی که یک بعد جنسی است، تاکید بر چادر و جدائی دختر و پسر تنها سبب گسترش فسادهای جنسی می‌شود. در مورد مسئله ارث هم همینطور است. اینکه زن نصف ارث می‌برد نیمی از حقیقت است. چرا که مرد از طرف خود + همسر + فرزندان یک ارث می‌برد و زن به تنهایی یک ارث می‌برد زیرا که مرد باید هزینه خود و همسر و فرزندان را تأمین کند. همین امروز آنجا که زن و مرد برابر ارث می‌برند و هزینه‌ها را نیز برابر بر عهده می‌گیرند، این زنانند که ظلم را تحمل

در نشریه راه آزادی شماره ۴۶ مصاحبه‌ای با آقای ابوالحسن بنی صدر به عنوان یک شخصیت ملی - اسلامی در رابطه با دیدگاههای ایشان در مورد حقوق زنان و تفاوت این دیدگاهها با آنچه هم اکنون در جمهوری اسلامی اجرا می‌شود به چاپ رسیده است. در این مصاحبه از آقای بنی صدر سوال گردیده که آیا وی بسوئی رفرد در اسلام معتقد است یا دیدگاههای ایشان اساساً منبعت از نص قرآن و احادیث معتبر پیامبر اسلام است.

آقای بنی صدر در پاسخ مطرح کرد که در گذشته دور فلسفه حاکم بر اساس توجیه نظامی بود که نخبه‌های مرد در راس آن و زنان در قاعده آن قرار می‌گرفتند.

مطابق این فلسفه زنان با تن خویش در مرد واکنش‌های جنسی بوجود می‌آوردند. توان اندیشیدن نداشتند، درخور عشق نبودند، همدست شیطان و عامل مرگ و تخریب و ستاننده اطمینان خاطر از مردان بودند. این دیدگاهها در همه جامعه‌ها رواج یافته و همچنان پابرجاست و بخش غالب ادبیات و هنر و تبلیغات و مسائل ارتباط جمعی از این دیدگاه تبعیت می‌کند. می‌بایست انقلاب بنیادی در تفکر زنان و مردان پدید آید و زنان بعنوان مزرعه حیات، اندیشمند، توانا،

اکنون خستگی، ناامیدی و سرگردانی موج می‌زد، بی هیچ درخششی. پیش می‌روم آرام در کنارش می‌ایستم. سلامی می‌کنم، دستش را می‌فشارم بجای نمی‌آورد. فشار این سالها او را آن چنان در هم شکسته است که فکر می‌کنم شاید نوه‌اش را نیز که حال باید هیجده ساله باشد بجای نمی‌آورد.

مادر من از شرکت کنندگان فستیوال دوازدهم هستم. از کسانی که روزی در خانه‌ات مهمان شدم و خوشمزه‌ترین مربای آلبالوی عالم را خوردم!

می‌نگرد، همان لیخند آرام: اما تلخ بر گوشه لبانش می‌نشیند. سری تکان میدهد. چنین‌های مهربان کناره‌های لبش پرش می‌کنند. زیر لب چیزی می‌گوید. «به‌ما خیانت کردند! همه چیز تمام شد! به ما خیانت کردند!». با دقت به چشم‌هایم خیره شده است. تاب نگاه سرد و مات او را ندارم. تنها دستم را در دستش می‌فشارم. فشاری آرام و سرد که تا بن استخوانم نفوذ می‌کند. قطار به اولین ایستگاه می‌رسد به کناره جنگلی عظیم! جمعیت آرام به حرکت در می‌آید. او نیز بر می‌خیزد. «تو هم برای چیدن قارچ آمده‌ای؟» سری تکان می‌دهم. باز زیر لب نجوا می‌کند. «به ما خیانت کردند». بانوی صلح آرام از پله‌های قطار پائین می‌رود خمیده پشت با زنبیلی بر دست با بار هزاران خاطره در یاد و نجوایی تلخ بر لب! قطار به راه می‌افتد.

ادامه دارد

از طریق مسکو در مسیر جاده ابریشم

بقیه از صفحه ۱۱

پروفسور بازنشسته دانشگاه بود. وقتی برگزاری دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان در مسکو را شنیده بود، (فستیوالی که شعار اصلی آن مبارزه در راه صلح بود) به استاد برگزاری فستیوال رفت و تقاضای گرفتن سهمی در این گردهم‌آبی را کرده بود.

می‌گفت: «وقتی شنیدم، تصمیم گرفتم در این همایش بزرگ برای تحقق این شعار مقدس هر کاری که از دستم بیاید انجام دهم؛ به کمیته برگزاری رفتم، متأسفانه دیر شده بود، هیچ کاری نبود. گفتم هر کاری که باشد انجام می‌دهم. مهم این است که من هم سهمی در کنار این جوانان برای صلح داشته باشم. سرانجام کار نظافت در پارک خانهای دوستی خلقها را گرفتم».

خانهای که تمام گروه‌های شرکت کننده در فستیوال دیدارهای دوستانه خود را آنجا انجام می‌دادند. با چه علاقه‌ای جارو می‌کرد. آب می‌پاشید، آشغالها را جمع می‌کرد. با محبت مادرانه با آن دو چشم آبی زلال در چهره‌ی جوانان خیره می‌شد و آرام تیش می‌کرد.

نوه‌ی هشت ساله‌اش را نیز به‌همراه می‌آورد، می‌گفت: «می‌خواهم سرودهای زیبای صلح را بشنود. ببیند که مادربزرگ چگونه با این سن برای صلح برای این کلام مقدس زمین را

کارایی هنرمند بولیویائی، گروه هنری البرائم و الاعراس از فلسطین برنامه اجرا نمودند. خانم مریم رجوی در این مراسم سخنرانی نمود و در سخنان خویش بر نقش زنان در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت این مبارزه تأکید کرده و برنامه‌های شورای ملی مقاومت در رابطه با برابری زنان و مردان را توضیح داد.

شاغل زنان از نیوع محدودی برخوردار است و زنان بطور عمده در بخشهای صنایع نساجی، کشاورزی، آموزش و بهداشت و خدمات دفتری مشغولند. در سالهای پس از انقلاب سهم زنان در کل جمعیت فعال از ۱۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۰ درصد در سال ۱۳۶۵ و ۱۱ درصد در سال ۷۰ کاهش یافت. این کاهش بیشتر از آنکه ریشه در مشکلات و رکود اقتصادی داشته‌باشد از عوامل سیاسی و ایدئولوژیکی ناشی می‌شود. جالب اینست که در دوران پس از انقلاب علیرغم بحثها و برخوردهای گاه بسیار متنی پیرامون کار زنان که از سوی برخی مسئولین روحانی صورت گرفت، قوانین مربوط به اشتغال زنان چندان تغییر نیافتند. خوشبختانه در سالهای بعد از ۶۸ تحرک جدیدی در زمینه اشتغال زنان به چشم می‌خورد و اعداد مربوط به جمعیت مشاغل زن دویساره روند صعودی پیدا کرده‌اند. گرایشهای مثبت در اشتغال زنان در چند سال اخیر را باید بیش از هر چیز نتیجه عوامل اقتصادی و نیز برویانی گروههای زنان دانست. در بسیاری از خانواده‌های شهری بخاطر بحران اقتصادی، دیگر زندگی با یک حقوق در عمل نیز میسر شده است. از سوی دیگر بالا رفتن سطح آموزش زنان و حضور فعال آنها در محیطهای آموزشی بتدریج هر چند با آنکمی بسیار کند بر بازار کار هم اثر می‌گذارد.

این روند مثبت با چند گرایش امید بخش دیگر مانند بالا رفتن سن اولین ازدواج و کاهش سریع باروری همراه شده است. تجربه ایران نشان میدهد که بر خلاف تصور بسیاری از سازمانهای بین المللی همواره میان رشد آموزش و گسترش اشتغال زنان رابطه مستقیمی وجود ندارد و اشتغال زنان از عوامل دیگری مانند فرهنگ، مذهب، ساختارهای اقتصادی، ذهنیت جامعه و سختگیری نهاد سیاسی تأثیرپذیری بیشتری دارد و تحول در آن با کندی بیشتری صورت می‌پذیرد.

مواسم سالروز ۳۰ خرداد

در روز اول تیرماه مراسم بزرگی در لندن توسط سازمان مجاهدین بمناسبت پانزدهمین سالروز ۳۰ خرداد برگزار گردید. این مراسم مستقیماً توسط ارتباط ماهواره‌ای در سراسر اروپا و آمریکا پخش گردید. در این مراسم خانم مرضیه به همراهی

فراز و نشیبهای آموزش و اشتغال زنان

دختران اعمال میشود در عمل امکان برخوردار از آزاده دختران از آموزش عالی را از میان می‌برد. در بررسی تحولات آموزشی نمی‌توان و نباید فقط به رشد کمی اعداد پسنده کرد مساله‌ای که شاید به همان اندازه رشد کمی اهمیت داشته باشد این است که مضمون این آموزش چیست. تصویری که از زن در کتابهای درسی ارائه میشود بدون تردید تفاوت محسوس با تصویر زن سنتی - مذهبی جامعه دارد. این زن تا حدود معینی با رعایت ارزشهای اسلامی مورد نظر کتاب «فرد اجتماعی» است ولی نفس مادر، خواهر یا همسر بودن او بسیار برجسته است. او در عرصه‌هایی که در جامعه اسلامی مجاز است کار میکند اما پیش از آن باید مادر خوب، زن مهربان، خواهر دلسوز و دختر سر به‌زیر این یا آن مرد باشد. از این جنبه شاید بتوان زن مطلوب کتابهای درسی را نمونه زنی دانست که به فقرا رفته است. او هر چند دیگر زن سنتی نیست، ولی همزمان با زن اجتماعی و شهروند برابر حقوق جامعه مدنی هم آشکارا فاصله دارد.

فراز و نشیبهای آموزش و اشتغال زنان

در روز اول تیرماه مراسم بزرگی در لندن توسط سازمان مجاهدین بمناسبت پانزدهمین سالروز ۳۰ خرداد برگزار گردید. این مراسم مستقیماً توسط ارتباط ماهواره‌ای در سراسر اروپا و آمریکا پخش گردید. در این مراسم خانم مرضیه به همراهی

فراز و نشیبهای آموزش و اشتغال زنان

در روز اول تیرماه مراسم بزرگی در لندن توسط سازمان مجاهدین بمناسبت پانزدهمین سالروز ۳۰ خرداد برگزار گردید. این مراسم مستقیماً توسط ارتباط ماهواره‌ای در سراسر اروپا و آمریکا پخش گردید. در این مراسم خانم مرضیه به همراهی

اصطلاح و توضیح

متأسفانه شماره گذشته نشریه «کار» همراه با اشتباهاتی به چاپ رسید که مواردی از آن در زیر تصحیح می‌شود:

- در صفحه ۱۲ در زیر عکس، آمار مربوط به نتایج انتخابات روسیه اشتباه بود
- در مطلبی تحت عنوان «از ویرانگری تا سازندگی» اشتباهات زیر صورت گرفته که با پوشش از خوانندگان گرامی تصحیح شده برخی از موارد آنرا در زیر درج می‌نمائیم
- ستون اول پاراگراف یازدهم «با توجه به... قوانینی برای اداره...» کلمه قوانینی جا افتاده بود.
- در ستون اول پاراگراف آخر سطر نهم کلمه میان‌مدت، همان مدت درج شده است.
- در ستون سوم پاراگراف نهم «قطع سیاست تستیجه انتشار G. K. O... ضمن حفظ تعهدات دولت»
- در ستون سوم به آخر پاراگراف دهم، تمام پاراگراف چهارم از «دال» ستون دوم اضافه گردد
- ستون دوم بخش «راو» سطر اول «...متوجه از سرگیری...» به جای مورد توجه از سرگیری
- ستون دوم پاراگراف ششم تماماً به بخش اول منتقل می‌شود

اصطلاح و توضیح

متأسفانه شماره گذشته نشریه «کار» همراه با اشتباهاتی به چاپ رسید که مواردی از آن در زیر تصحیح می‌شود:

- در صفحه ۱۲ در زیر عکس، آمار مربوط به نتایج انتخابات روسیه اشتباه بود
- در مطلبی تحت عنوان «از ویرانگری تا سازندگی» اشتباهات زیر صورت گرفته که با پوشش از خوانندگان گرامی تصحیح شده برخی از موارد آنرا در زیر درج می‌نمائیم
- ستون اول پاراگراف یازدهم «با توجه به... قوانینی برای اداره...» کلمه قوانینی جا افتاده بود.
- در ستون اول پاراگراف آخر سطر نهم کلمه میان‌مدت، همان مدت درج شده است.
- در ستون سوم پاراگراف نهم «قطع سیاست تستیجه انتشار G. K. O... ضمن حفظ تعهدات دولت»
- در ستون سوم به آخر پاراگراف دهم، تمام پاراگراف چهارم از «دال» ستون دوم اضافه گردد
- ستون دوم بخش «راو» سطر اول «...متوجه از سرگیری...» به جای مورد توجه از سرگیری
- ستون دوم پاراگراف ششم تماماً به بخش اول منتقل می‌شود

<p>فرم درخواست اشتراک «کار»</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: ()</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یک سال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: _____</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس «کار» پست کنید!</p>		<p>بهای اشتراک «کار»</p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماه - ۴۵ مارک</p> <p>یک سال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>شش ماه - ۵۲ مارک</p> <p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>	<p>«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>دارنده حساب: I.G.e.v</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد بانکی: 37050198</p> <p>Stadtsparkasse Koeln</p> <p>Germany</p> <p>Germany</p> <p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290</p>
--	--	---	--

توافق گروه های اسلامی متخاصم در افغانستان

حکمتیار نخست‌وزیری افغانستان را به عهده‌گرفت

طالبان همچنان به حملات موشکی به کابل ادامه می‌دهد

طی جنگ سه ساله داخلی ۱۶۰ هزار نفر کشته و زخمی شدند

سرانجام پس از گذشت ۳ سال جنگ داخلی در اواخر ماه گذشته چندین گروه اسلامی متخاصم در افغانستان به توافق رسیدند. پس از خارج شدن ارتش شوروی از افغانستان گروه‌های مختلف اسلامی بر سر تقسیم قدرت و نحوه حکومت جنگ خونینی را آغاز کردند. این جنگ تاکنون منجر به کشته و زخمی شدن ۱۶۰ هزار افغانی شده است.

دولت برهان‌الدین ربانی و گروه حکمتیار بعد از چند ماه مذاکره به توافقی از جمله به تفویض پست نخست‌وزیری به حکمتیار دست یافتند. حکمتیار ۲۶ ژوئن وارد کابل شد. وی در یک اجلاس ویژه با حضور مقامات دولت، شخصیت‌های خارجی و خبرنگاران مراسم تحلیف نخست‌وزیری را بجای آورد و تلاش برای تشکیل کابینه مرکب از نمایندگان احزاب مختلف اسلامی را شروع کرد. ورود گلبدین حکمتیار به کابل همزمان با گلوله‌باران شدید کابل توسط گروه طالبان بود. گروه طالبان از شهروندان کابل خواسته بود که از منازل خود خارج نشوند. طالبان برای جلوگیری از ورود حکمتیار کابل را زیر باران راکت و گلوله‌های کاتیوشا گرفت و ۲۰۰ راکت به مناطق مختلف شلیک کرد. در این حملات حداقل ۶۶ تن کشته و صدها تن زخمی شدند.

بعد از پذیرفتن نخست‌وزیری توسط حکمتیار، ربانی رئیس جمهور افغانستان به جلال‌آباد سفر کرد و با خالص رهبر حزب اسلامی (شاخه خالص) و گیلانی و مولوی رهبران دیگر شاخه‌ها گفتگو کرد. ربانی خواستار مشارکت آنها در ترکیب دولت و معرفی نمایندگان آنها در دولت وقت حکمتیار شد.

اعلام اسامی اعضای دولت وقت حکمتیار بخاطر توافق با گروه‌های مختلف تا یک هفته به تعویق افتاد و تلاشها برای پیوستن ژنرال دوستم نیز به ائتلاف با دولت ربانی ادامه یافت. بعد از گذشت چند روز از این توافق طالبان حملات خود را به کابل تشدید کرد. اقدام طالبان ظاهراً در واکنش به معرفی احتمالی اعضای

کابینه و جلوگیری از ورود برخی از احزاب کوچک به ائتلاف انجام گرفت. در همین زمان در واشنگتن تلاشهایی از سوی سناتور «براون» به منظور برگزاری کنفرانسی از نمایندگان گروه‌های مختلف انجام گرفت. طالبان که از طرف آمریکا حمایت می‌شود ظاهراً در جلسات عمومی شرکت نکرد ولی در ملاقات جداگانه با سناتور براون مواضع خود را اعلام کرد. علیرغم تلاش آمریکا برای گردآوری سران برخی گروه‌های اسلامی این اجلاس از طرف آنها با استقبال مواجه نشد.

روزنامه اردو زبان پاکستان در سرمقاله خود نوشت: هدف از اجلاس واشنگتن در ظاهر یافتن پیشنهادی برای حل مسئله افغانستان بود اما در این راه با شکست مواجه شد. روزنامه «نیشن» نیز در پاکستان نوشت: «نمایندگان گروه‌های مختلف افغان که به مذاکرات سه روزه در واشنگتن دعوت شده بودند در رسیدن به توافق ناکام شدند».

در اوایل ژوئیه حکمتیار به منظور جلب حمایت ژنرال دوستم از دولت ائتلافی در مزار شریف با او ملاقات کرد. ژنرال دوستم شرط خود را برای پیوستن به این ائتلاف در اختیار گرفتن سه وزارتخانه برای اعضای جنبش مسلی - اسلامی شمال افغانستان، معاونت نخست‌وزیری برای خود و باز پس گرفتن درجه ژنرال‌اش اعلام کرد. حکمتیار در نامه‌ای به «نواز شریف» رهبر جناح مخالف و نخست‌وزیر سابق پاکستان گفت: دولت اسلامی افغانستان خواستار بهبود روابط با کشورهای اسلامی است. و در همین حال روزنامه شهادت ارگان حزب اسلامی حکمتیار مدعی شده که پاکستان کلیه کمک‌های خود را به گروه طالبان قطع کرده است. یک منبع نظامی دولت افغانستان در ۳ ژوئیه اعلام کرد که گروه طالبان به نیروهای خود در جنوب و جنوب غربی کابل و همچنین در استانهای «لوگر» و «وردک» آماده‌باش کامل داده است. و در طی هفته اخیر نیروهای تازه نفس و تجهیزات زرهی جدیدی را به حومه

کابل منتقل کرده و توان رزمی خود را تقویت کرده است.

از ۲۶ تا ۲۹ ژوئن سمنار سه روزه افغانستان و امنیت منطقه با حضور نمایندگان احزاب ۱۵ گانه افغانستان و برخی نمایندگان از ۱۲ کشور اسلامی و نمایندگان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در تهران گشایش یافت. در این کنفرانس اندیشمندی رئیس رادیو کابل به نمایندگی از سوی جمعیت اسلامی افغانستان (ربانی) و قطب‌الدین هلال رئیس کمیته سیاسی حزب افغانستان به رهبری حکمتیار از طرف این حزب شرکت کرد. عباس ملکی معاون پژوهشی و آموزشی وزارت امور خارجه در مصاحبه با روزنامه رسالت می‌گوید: در سالهای اخیر بخشی از توان جمهوری اسلامی صرف کردن گروه‌های اسلامی در افغانستان شده است، و همه گروه‌ها بجز طالبان از این حرکت استقبال کردند. و ما با مذاکراتی که با دولت پاکستان داشتیم آنها متقاعد شده‌اند تا نسبت به مسائل منطقه واقع‌گرایانه‌تر برخورد کنند و پذیرفته‌اند که دولت مرکزی افغانستان باید تقویت شود. قطب‌الدین هلال نیز در مصاحبه‌ای گفت: توافق اخیر بین آقایان ربانی و حکمتیار نتیجه تلاش مجدانه جمهوری اسلامی و بلنداندیشی رهبران دو جناح حزب اسلامی و حزب جمعیت اسلامی است. کابینه جدید افغانستان در اوایل ژوئیه بر اساس تقسیم وزارتخانه‌های دولتی بین احزاب متحد دولت ربانی اعلام شد. بر این اساس به هر یک از احزاب متحد دولت دو وزارتخانه تعلق گرفته است. دو حزب کوچکتر وحدت اسلامی و حزب جماعت‌الدعوة یک وزارتخانه در دست دارند. هنوز برخی اختلافات پایان نگرفته است. از جمله شیعیان خواستار دست‌گرفتن چهار وزارتخانه هستند که مورد توافق احزاب دیگر نیست. هنوز توافق با ژنرال دوستم عملی نشده است و حکمتیار تنها ۹ وزیر کابینه خود را معرفی کرد و در انتظار پیوستن سایر احزاب به دولت و همچنین رفع اختلاف بین ربانی و احمد شاه مسعود بود. احمد شاه مسعود خواستار تعیین عبدالرحیم غفورزی به سمت وزارت خارجه است.

روزنامه تایم می‌نویسد: اگر در افغانستان کسی توان هماهنگی بین نیروها را دارد این احمد شاه مسعود است. و این هماهنگی‌ها در پس پرده توسط او انجام می‌گیرد. از ۷ ژوئیه دولت گلبدین حکمتیار به طور رسمی آغاز به کار کرد. او به خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرد مسئولیت کابینه وی ختم کامل جنگ، تأمین صلح و امنیت سراسری، رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم، جذب تمام نیروهای اسلامی و استقلال طلب و برگزاری انتخابات برای تشکیل حکومت منتخب اسلامی است. همچنین اعلام شد که ژنرال دوستم نیز به دولت ائتلافی پیوسته است.

آیسا جنگ و خونریزی در افغانستان به پایان خواهد رسید و یا توافق انجام شده مانند برخی توافقات قبلی عمر کوتاهی خواهد داشت. آینده به آن جواب خواهد داد. ولی با توجه به گسترش شرکت نیروهای شرکت کننده در ائتلاف اخیر و واکنش‌های ظاهراً بی طرفانه و گاه مثبت از طرف دولت پاکستان به ائتلاف انجام شده که طبیعتاً منجر به تضعیف گروه طالبان می‌شود، چشم‌انداز پایان جنگ بین گروه‌های اسلامی را نوید می‌دهد و این مردم افغانستان هستند که بعد از ۱۷ سال جنگ و خونریزی، عدم امنیت، کشتار و خرابی از آرامش بدست آمده بهره خواهند برد.

منابع رسمی در افغانستان اعلام کردند که طی ۱۷ سال جنگ در افغانستان ۶ هزار روستا کاملاً ویران شد. ۱۲ هزار روستا خالی از سکنه و ۷ میلیارد دلار به اقتصاد، کشاورزی و صنعت این کشور خسارت وارد شده است. در این مدت بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر کشته شده و چهار میلیون نفر آواره شده‌اند. تنها در بخش غربی کابل طی این مدت ۷۰ مرکز صنعتی، تجاری و فرهنگی با خاک یکسان شد و منطقه پارک صنعتی در جنوب شرقی این شهر کاملاً ویران گردیده است.

قصرهای زیبای «چهل ستون» و «دارالامان» و موزه معروف کابل که یکی از ارزشمندترین موزه‌های خاورمیانه بود به کلی ویران شد و آثار فرهنگی و تاریخی آن به تاراج رفت. فاجعه عظیمی در افغانستان آن است که اکنون ده میلیون مین ضد نفر و ضد خودرو توسط مجاهدین افغانی در دل خاک افغانستان مخفی شده است و هر روز عده زیادی از افراد غیر نظامی قربانی آن می‌شوند.

سفر نخست وزیر اسرائیل به آمریکا

کلینتون: نتانیاهو برای تطبیق خویش با مسئولیت

خطیرش احتیاج به زمان دارد.

نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در طی سفر یک هفته‌ای خود به آمریکا با کلینتون رئیس جمهور آمریکا ملاقات کرد. نتانیاهو در مقابل کنگره آمریکا به سخنرانی پرداخت و با سیاستمداران مهم مذاکره کرد و مذاکرات مفصلی با کلینتون به انجام رساند. نتانیاهو تأکید کرد که مذاکره با سوریه و خود مختاری فلسطینی‌ها به این بستگی دارد که آنها با تمام قوا علیه تروریسم مبارزه کنند. به نظر او حافظ اسد از حامیان تروریسم در منطقه است و عرفات نیز همه قدرت خود را بکار نمی‌گیرد که حماس را «خلع سلاح» کند. در مورد سیاست پرز یعنی «صلح در مقابل زمین» او گفت که صلح مرزهای مطمئن قابل قبول است و در مورد تخلیه شهر الخلیل توسط ارتش سوریه گفت که الخلیل قدیمی‌ترین شهر یهودی است و تأکید کرد اسکان یهودیان در مناطق اشغالی را از سر خواهد گرفت.

او ملاقات با عرفات را رد کرد و او را متهم کرد که قرارداد اسلو را زیر پا گذاشته است. کلینتون در سخنرانی خود بر لزوم ادامه روند صلح و مذاکره با رهبران عرب تأکید کرد اختلاف نظر بین رهبران اسرائیل و آمریکا چنان مشهود بود که ناظران نوشتند که مذاکرات پشت درهای بسته برای حفظ روند صلح بی نتیجه مانده است. کلینتون که بدلیل نزدیکی انتخابات و حفظ حمایت یهودیان آمریکا با احتیاط نسبت به سخنان نتانیاهو موضع می‌گرفت گفت که نتانیاهو مسئولیت را تازه به عهده گرفته است و برای تطبیق خود با مسئولیت خطیرش احتیاج به زمان دارد.

نتانیاهو در هفته گذشته به مصر مسافرت کرد و با مبارک به مذاکره پرداخت.

رای اعتماد به دولت ارباکان در مجلس ترکیه

پارلمان ترکیه ۸ ژوئیه به دولت ائتلافی حزب رفاه و حزب محافظه کار «راه راست» رای اعتماد داد. ۲۷۸ تن از نمایندگان رای مثبت و ۲۶۵ تن رای منفی دادند. ارباکان اعلام کرد که ترکیه به پیمان ناتو متعهد می‌ماند و از آن خارج نخواهد شد. ارباکان در آینده سفری به ایران و سوریه و کشورهای اروپای غربی خواهد داشت. همزمان با اعلام برخی رئیس سیاست‌های ارباکان که معتدل تر از برنامه انتخاباتی اوست. «رفرم‌هایی» در زمینه اسلامی کردن کشور شروع شده است. از جمله کازان وزیر جدید دادگستری اعلام کرد که رفم‌های سراسری وسیعی را در دادگستری به اجرا خواهد گذاشت که در رأس آن تعویض یک چهارم کل وکلا و دادستانها خواهد بود. گفته می‌شود که افراد نزدیک به سیاست‌های حزب رفاه جای آنها را خواهند گرفت.

همزمان اعلام شد که اجازه ساختن مسجد عظیمی در قلب استانبول صادر شده است. گرفتن مجوز برای ساختن این مسجد از سال ۹۴ که حزب رفاه اداره شهر استانبول را به عهده گرفت مرکز درگیری مذهبیون بنیادگرا با اداره فرهنگ ترکیه بوده است. این مسجد در میدان «تاکسیم» که بعنوان سمبل استانبول مدرن از طرف دولت قبلی تبلیغ می‌شد، ساخته می‌شود.

هشدار عفو بین الملل در مورد زندانیان سیاسی ترکیه

عفو بین الملل در اطلاعیه‌ای که در تاریخ ۱۵ ژوئیه منتشر کرد به دولت ترکیه در مورد وضعیت سلامت زندانیان سیاسی که در ۱۶ زندان ترکیه در اعتصاب غذا بسر می‌برند، هشدار داد. در این اطلاعیه آمده است که ۳۶ تن از این زندانیان در خطر مرگ قرار دارند. عفو بین الملل از دولت ترکیه خواست که اقدامات جدی به منظور رفع این خطر انجام دهد.

۱۵۰ زندانی سیاسی که عمدتاً به سازمانهای سیاسی کرد تعلق دارند، اعتصاب غذای خود را از اوائل ژوئن آغاز کردند. دولت ترکیه تاکنون هیچ واکنشی نسبت به خواسته‌های آنها نشان نداده است. بیش از ۱۰ هزار زندانی سیاسی در زندانهای ترکیه بسر می‌برند. آنها خواستار لغو شکنجه در زندانها، انتخاب آزادانه وکیل مدافع و تأمین مراقبتهای پزشکی در مواقع لزوم و محاکمه عادلانه هستند.

مقابله اروپا با تحریم آمریکا علیه کوبا

کلینتون اجرای قانون محاکمه شرکتیهای طرف قرارداد با کوبا را به تأخیر انداخت. وزیران امور خارجه بازار مشترک اروپا روز ۱۵ ژوئیه در بروکسل تصمیم گرفتند که برای مقابله با اقدامات آمریکا دست به اقدام متحد بزنند و در صورتی که آمریکا قانون هلمز-برتن را به اجرا بگذارد به سازمان جهانی تجارت شکایت کنند. بر طبق قانون هلمز - برتن که در ماه مارس در کنگره آمریکا به تصویب رسید، شرکتیهای که با کوبا رابطه تجاری برقرار کنند در دادگاههای آمریکا محاکمه خواهند شد. این قانون برای اجرا به امضای کلینتون احتیاج داشت که قرار بود روز ۱۶ ژوئیه به امضا برسد.

این قانون مورد اعتراض شدید کشورهای کانادا و مکزیک و کشورهای بازار مشترک قرار گرفت. کشورهای اروپایی از جمله اسپانیا در سالهای اخیر سرمایه‌گذاریهایی در صنایع مختلف کوبا بخصوص صنعت توریسم انجام داده‌اند. طبق مصوبه وزیران امور خارجه بازار مشترک، قرار بود که در صورت اجرای این قانون علاوه بر شکایت به سازمان جهانی تجارت، افراد آمریکایی برای سفرهای تجارتي به اروپا احتیاج به ویزا داشته باشند و برای حمایت از شرکتیهای که در آمریکا متحمل خسارت شده‌اند، متقابلاً شرکتیهای شاکسی آمریکایی، در اروپا خسارت بپردازند.

کلینتون ۱۶ ژوئیه قانون مصوبه کنگره را امضا کرد ولی اجرای آن را ۶ ماه یعنی تا فوریه سال آینده بتعویق انداخت. رئیس جمهوری این اختیار را دارد که اجرای این مصوبه را بدفعات و هر بار ۶ ماه به تأخیر بیندازد. گروه ضد کاسترو کوبایی - آمریکایی مقیم آمریکا از نفوذ وسیعی بر سناتورهای آمریکایی برخوردار است.



مایکل جکسون خواننده معروف تولد ماندلا را تبریک می‌گوید

مسافرت ماندلا به اروپا برای جلب سرمایه‌گذاری

هفته گذشته نلسون ماندلا رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، سفری یک هفته‌ای به انگلیس و فرانسه داشت. ماندلا در لندن مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت. هزاران تن در خیابانها به استقبال ماندلا رفتند. روزنامه آیندی پندنت نوشت: «نلسون مقدس برای دیدار می‌آید». ماندلا در هر دو مجلس انگلیس سخنرانی کرد و با نمایندگان شرکتیهای انگلیسی در لندن دیدار کرد. خانواده سلطنتی انگلیس نیز استقبال ویژه‌ای از او بعمل آورد. ماندلا از بالکن «خانه آفریقای جنوبی» به دیدار علاقمندان رفت. جلوی «خانه آفریقای جنوبی» سالها مرکز تظاهرات ضد تبعیض نژادی و تحسین‌های طولانی مدت بود. در فرانسه نیز ماندلا از دانشگاه

سورین دکترای افتخاری دریافت کرد. ماندلا در این مسافرت از شرکتیهای انگلیسی و فرانسوی خواست که در آفریقای جنوبی سرمایه‌گذاری کنند و بدین ترتیب به کشورش کمک کنند تا «عواقب سیاست آپارتاید را از میان بردارد». او گفت: «سرمایه‌گذاری در کشور ما برای یکطرف سود واقعی در بر دارد و به طرف دیگر امکان می‌دهد که آینده دموکراسی را در کشور در دراز مدت مطمئن‌تر سازد». او در سخنرانی خود در دانشگاه سورین گفت: «مردم فرانسه در مبارزه برای آزادی از ما حمایت کردند و من مطمئنم که اکنون نیز ما را در راه توسعه رابطه‌مان با اروپای مشترک یاری خواهند رساند».